سازوکارهای حمایتی حقوق بین‌الملل از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال چهارم)
شماره ۱۲ / تابستان ۱۳۹۷ / ص ۵۸-۳۷

ولی‌اله نصیری[۱]، ابراهیم پاد[۲]، عباس هاشمی[۳]
[۱] دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
[۲] دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
۳ کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
نویسنده مسئول:
ولی‌اله نصیری

چکیده
حقوق بین‌الملل برای تابعان سنتی و به ویژه «دولت‌های در حال توسعه» کنش‌های حمایتگرانه متعددی پیش‌بینی نموده است. زیرا کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف جایگاه بین‌المللی و اقتصادی برای سود بردن از اصل حق توسعه با چالش‌های عمده‌ای رودرو هستند. است. توسل به «سازوکارهای حمایتی» برای جبران عدم توازن اقتصادی، تجاری، توسعه‌ای میان کشورهای صنعتی پیشرفته و کشورهای در حال توسعه تا حدودی برای بهره‌مندی از حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی برای تابعان مبتنی بر نظام وستفالی از اهمیت وافری برخوردار است. لذا این پرسش مطرح می‌شود که حقوق بین‌الملل برای حمایت از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی چه سازوکارهایی اندیشیده است؟ برای پاسخ به پرسش مذکور این فرضیه مطرح است که؛ در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل می‌توان از برخی سازوکارهای حمایتی در راستای حمایت از دولت‌ها به ویژه «دولت‌های در حال توسعه» نام برد که تحت عناوین مختلف نظیر «رفتار ترجیحی»، «رفتار ویژه و متفاوت»، «کمک‌های خارجی»، «دیپلماسی حمایت»، «تعهد به انتقال تکنولوژی» و «ارائه کمک‌های فنی» از آن‌ها یاد می‌شود. مقاله به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، تابع، دولت، کشورهای در حال توسعه، رفتار ترجیحی.

۱-مقدمه

اگرچه در بند اول ماده ۲ منشور ملل متحد بر برابری حاکمیت تابعان حقیقی حقوق بین‌الملل تاکید شده است[۱] اما همه کشورها از نظر قدرت، ثروت و توانمندی برابر نبوده و تساوی مورد تاکید حقوق بین‌الملل صرفا شکلی است نه ماهوی. زیرا با اینکه در حال حاضر تعداد ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل هستند اما به درستی این موضوع به رسمیت شناخته شده که پنج عضو دایمی شورای امنیت که از حق وتو برخوردارند «برابرتر» از بقیه کشورها هستند[۲] از مجموع دو تساوی و برابری کشورها (شکلی و ماهوی) تساوی شکلی ضرورتاً پایدار و با ثبات است. به همین خاطر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد[1] تساوی دولت‌ها کاملا رعایت شده است و از قاعده «یک دولت-یک رای[2]» پیروی می‌شود[۳] تساوی شکلی مورد توجه و خواست کشورهای در حال توسعه می‌باشد آنان با تساوی ماهوی موافق نیستند.[۴] در عین حال این کشورها تلویحاً کشورهای توسعه یافته را مسئول بخش عمده‌ای از نابرابریهای جهانی در زمینه‌های مختلف اقتصادی، زیست‌محیطی می‌دانند و در این راستا قواعد جدیدی را پیشنهاد نمودند که برخی علمای حقوق بین‌الملل آن‌را «اصل نابرابریهای جبران-ساز» نامیدند.[۵]کشورهای در حال توسعه به‌دنبال عملی شدن اصل نابرابری جبران‌ساز، در نشستهای بین‌المللی کوشیدند که برای تحقق آن، ساز و کارهای لازم را تعبیه نمایند. این ساز و کارها را می‌توان با اندکی اغماض کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل برای برخی دولت‌ها دانست. اگرچه وجه غالب این ساز و کارهای جبرانی در ادبیات مربوط به حقوق بین‌الملل اقتصادی، تجارت بین‌الملل و حقوق بین-الملل توسعه تحت عنوان «رفتار ویژه و متفاوت» انعکاس یافته است اما در سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل نیز می‌توان راهکارهایی را برای حمایت از برخی دولت‌ها را به نظاره نشست. تبادل هرچه سریعتر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را برای مصارف صلح‌جویانه انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل هسته‌ای، حق دسترسی کشورهای محاط در خشکی به آب‌های آزاد در حقوق بین‌الملل دریاها، انتقال تکنولوژیهای سبز از کشورهای پیشرفته به کشورهای توسعه نیافته در حقوق بین‌الملل محیط زیست، رفتار ترجیحی در حقوق تجارت بین-الملل، کمکهای اقتصادی و رسمی توسعه‌ای در حقوق بین‌الملل توسعه و دیپلماسی حمایت در حقوق بین‌الملل دیپلماتیک از این دسته از کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل برای هر دو تابع سنتی و مدرن خود یعنی دولت‌ها و افراد به شمار می‌رود.

۲-تبیین مفاهیم

برای شناخت و معرفت بیشتر درباره یک موضوع بهترین و اولین مرحله تعریف جامع و مانعی از موضوع است از این رو در مقوله «کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی» ابتدا به تعریف حقوق بین‌الملل سپس به تعریف تابعان حقوق بین‌الملل می‌پردازیم؛ تا ماهیت آن‌ها را به طور کامل مشخص نماییم.

۱-۲ تعریف حقوق بین‌الملل

لغتنامه حقوقی[3] «بلاک» سعی دارد اصطلاحات حقوقی را کوتاه و با معنائی کافی بیان نماید در مقابل حقوق بین‌الملل این عبارت را بکار گرفته است: «حقوق بین‌الملل حقوقی است که روابط ملل را نسبت به یکدیگر تنظیم می‌نماید و در واقع همان حقوق ملت‌ها است و منابع آن عبارتند از عرف و عادات، معاهدات و تصمیمات مراجع قضایی مثل دادگاه بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق بشر».[4] در این تعریف نقطه اصلی تاکید بر «تنظیم روابط» است»[۶] دکتر ضیائی بیگدلی می‌نویسد: حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد و مقدرات لازم الاجرایی که ناشی از روابط بین‌الملل و تنظیم کنندهٔ مناسبات میان اعضای جامعهٔ بین‌المللی است.[۷] که هدف از وضع آنها تأمین آسایش همهٔ ملل جهان می‌باشد.[۸] در سطح جامعه بین‌المللی، در پرتو واقعیت تلخ جنگ‌های بین‌المللی، «حقوق بین‌الملل»[5] به عنوان یک پدیدار اجتماعی به دلیل ضرورت حیات بین‌المللی مسالمت‌آمیز ابداع شد با این انگیزه که بتواند عهده‌دار تنظیم روابط پیچیده دولت‌ها شده و نظم تأمین کننده ثبات و آرامش را جایگزین «سیاست قدرت» گرداند.[۹] حقوق بین‌الملل به مجموعه قواعد و مقرراتی گفته می‌شود که بر جامعه بین‌المللی حاکم بوده و اعضای آن ملتزم به رعایت و اجرای آن‌ها هستند.[۱۰] جامعه‌ای که نقطه تولد و تکامل آن به گواهی تاریخ معاهدات «وستفالیا» بوده است.[۱۱] معاهدات صلح وستفالی (مونستر و اوسنابروک) آغازگر یک تشکل سیاسی در اروپای از جنگ رسته بود و مبنائی شد برای استقرار روابط بین‌الملل جدید با حقوقی نوین. هیأت مدیره جدید در اروپا که بازیگران صحنه سیاسی را تشکیل می‌دادند به روش‌های صلح گرایانه متمایل شدند و تصمیم گرفتند گاهی اوقات تشکیل جلسه بدهند و درباره تداوم سیاسی و صلح و امنیت دول اروپایی تصمیم بگیرند. ابتکارات اساسی در معاهدات صلح ورسای(۱۹۱۹)، سن ژرمن(۱۹۱۹)، نویی (۱۹۱۹)، تریانون(۱۹۲۰) و معاهده سور

---

[1] - United Nations General Assembly.
[2] - A government-one vote.
[3] - Blacks Law Dictionary
[4] - The law which regulates the relationships of nations to each other, the law of natiohs. Its sources are customs and usages the decisions of such tribunals as the interntional court of justice and the International human Rights.
[5] - International Law.

در(۱۹۲۰) منجر به تشکیل یک نهاد بین‌المللی شد که بعدها بنام «جامعه ملل» شناخته شد و هدف اولیه‌اش تأمین صلح بود. این سازمان برای مدتی صلح را برای جهانیان به ارمغان آورد و تدریج آرمان حاکمیت واحد جهانی(جامعه بین‌المللی جدید) مطرح شد تا صلح را برای همیشه به بشریت هدیه کند. در عصر بعد از جنگ جهانی اول و دوم تحولات گسترده‌ای را در جامعه بین‌المللی شاهد بودیم با تأسیس سازمان ملل جامعه بین‌المللی به تدریج تعین یافت و از تئوری به واقعیت پیوست[۱۲] و بدین ترتیب حقوق بین‌الملل نیز به عنوان حقوق جامعه بین‌المللی حاکم گردید[۱۳]

در یک رجعت تاریخی و به طور خلاصه می‌توان گفت که «گروسیوس»[۶] دانشمند اوایل قرن ۱۷ که موسس حقوق بین‌الملل شناخته شده است نام این حقوق را «جنگ و صلح»[۷] گذاشته و کتابی هم با همین نام تألیف کرده که متضمن قواعد حقوق بین‌الملل زمان تألیف کتاب است. «پاسکال فیور»[۸] حقوقدان ایتالیایی نام آن را حقوق نوع بشر[۹] گذاشته و با وظایفی که این شعبه از حقوق در عصر ما پیدا کرده این نام تناسب بیشتری برای آن دارد. «امانوئل کانت»[۱۰] آلمانی عنوان حقوق دول[۱۱] را برای آن متناسب شناخته و «هگل»[۱۲] فیلسوف برجسته دیگر آلمانی نام حقوق سیاسی خارجی[۱۳] به آن اطلاق کرده است در حالی‌که «مابلی»[۱۴] مورخ و فیلسوف مشهور فرانسوی حقوق بین‌الملل را به لحاظ وضع خاصی که در اروپا داشته، به عنوان حقوق عمومی اروپا[۱۵] خوانده است چنانکه در عهدنامه پاریس ۱۸۵۶ نیز به همین شکل از حقوق بین‌الملل نامبرده شده است اولین کسی که به آن نام حقوق بین‌الملل داده «بنتام»[۱۶] حقوقدان و فیلسوف انگلیسی است.[۱۴]

۲-۲ تعریف تابعان حقوق بین‌الملل

تا قرن ۱۹، فقط دولت‌ها در حقوق‌بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی بودند.[۱۵] شخص و شخصیّت واژه‌هایی هستند که دارای معانی و تعابیر متفاوتی می‌باشند. وقتی در حقوق صحبت از شخص می‌کنیم منظور موجودیتَی است که دارای حقّ و تکلیف است. شخص دارای زندگی حقوقی است و می‌تواند در این زمینه با اعمال حقوق و انجام دادن تکالیف خود نقشی را ایفا کند. بنابراین شخص از نظر حقوقی عبارت است از وصف و شایستگی شخص برای اینکه طرف و صاحب حق و تکلیف باشد. سوژه حقوق‌بین‌الملل یا تابع نیز موجودیتی است که به طور مستقیم از حقوق و تکالیف شناخته شده در نظام حقوقی بین‌الملل برخوردار شده است. واژه تابع[۱۷] هم معنای فاعلی و هم مفعولی می‌دهد و در نتیجه از دید حقوقی، تابع حقوق یعنی شخصی که هم واضع قواعد حقیقی و هم دریافت کنندهٔ آن قواعد است. امروزه این تابعین در حقوق بین‌الملل در درجه اول کشورها[۱۸] و در درجهٔ دوم سازمان‌های بین‌المللی دولتی[۱۹] هستند.[۱۶] جامعه بین‌المللی مرکب از کشورها که تنها تابعین والای حقوق بین‌الملل هستند، می‌باشند[۱۷] از سوی دیگر جهانی شدن به عنوان فرآیندی که بیشترین تأثیر را بر تعاملات و روابط انسانی بر جای می‌گذارد، موجب گردیده تا نقش و جایگاه فرد انسانی و حقوقی که بر آن مترتب است، از توجه ویژه‌ای در نزد افکار عمومی مردم، و دولتها و سازمانهای بین‌المللی برخوردار گردد.[۱۸] عصر جهانی شدن عصر بازی «فرد» و انسانی شدن حقوق بین‌الملل است. لذا هدف نهایی و مطلوب حقوق بین‌الملل، را می‌توان انسان، تأمین بیشتر حقوق او، تضمین ارزش‌های انسانی، برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و تحقق عدالت برای او دانست.[۱۹] اینک برخلاف قرن بیستم، دیگر سخن حکیمانه ژرژسل، رؤیای شیرین اما غیرقابل تعبیر قلمداد نخواهد شد، که تابع حقیقی و اصیل هر نظام حقوقی، «فرد انسانی» است و تنها او دارای شعور و ادراک است. تردیدی نیست که در تحلیل نهایی، غایت و مقصد هر نظام حقوقی، فراهم آوردن زمینه رشد و بالندگی همه جانبه انسان است.[۲۰] و به قول پروفسور «لویی رنو» استاد حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه پاریس «بشر بسان یک شخص حقوقی عمومی بین‌المللی، تابع حقوق ناشی از معاهدات، و به عنوان بشر شایسته مطالبه برخی حقوق است».[۲۱] یعنی اگر ما زمانی عصر امپراطوری را پشت سر گذاشتیم و سپس نظام وستفالی دولت-ملت را به وجود آورد و بعد در نیمه دوم قرن بیستم دوره کارتل‌ها و شرکتهای بین‌المللی سپری شد، اینک عصر فرد است یعنی افراد، حق و حقوقی دارند ضمن اینکه بازیگران اصلی بین‌الملل هم به حساب می‌آیند و در عصر اطلاعات دارای جایگاه و فعالیت هستند. در

---

6 - Grotius.
7 - De yur belliue Pacis.
8 - Pasquale.
9 - Droit du genre human.
10 - Emmanuel kunt.
11 - Etas Law.
12 - Hegel.
13 - Politique gentere Droit.
14 - Mably.
15 - Droit Politique Eterne.
16 - Benthum.
17 - Subject.
18 - State.
19 - International Organization.

سال‌های اخیر اتخاذ رویکرد انسانی به این مهم حقوق بین‌الملل را از قلمرو و حوزه صرف دولت‌ها خارج نموده و با ورود مقوله حقوق بشر به عرصه‌های روابط بین‌الملل انتظام آن از اهمیتی دو چندان برخوردار شده است.[۲۲]

۱-۲-۲ دولت

«شارل روسو»[۲۰] از اساتید حقوق عمومی فرانسه می‌گوید: «اصولاً حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دول است و هدف از این حقوق سه چیز می‌باشد: اولاً تعیین صلاحیت دول، زیرا هر دولت در محدوده جغرافیایی معین و مشخص اختیار و صلاحیت اجرای قواعد و انجام وظایفی را دارد و در خارج از آن حدود (جز در موارد استثنا) فاقد صلاحیت می‌باشد ثانیاً تعیین تعهدات دول که ممکن است جنبه منفی یا مثبت داشته باشد ثالثاً تنظیم صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی.[۲۳]

معادل واژه «دولت» در زبان فرانسه(Letat) و در زبان انگلیسی(State) و در زبان آلمانی(Staat) است.[۲۴] که مبین و مجسم وضعیتی است که معنی «برپا بودن» و «ثبات وضع» را می‌رساند و از زمان تدوین کتاب «شهریار» اثر ماکیاول کم‌کم معنی سیاسی ویژه‌ای به خود گرفته است.[۲۵] بر همین اساس است که گفته می‌شود پادشاه ضامن ثبات، امنیت، نظم و به صورت ضمنی تامین کننده رفاه جامعه است.[۲۶] دولت پدیده‌ای است تاریخی و به عنوان سازمان اجتماعیِ صاحب قدرت، از دیرباز در جامعهٔ انسانی نمود یافته است. برخی بر این باورند که: دولت همزاد جامعه است، بدین معنا که همزمان با تأسیس جامعه گروهی متشکل، منظم و دارای روابط عمیق و مستمر[۲۷] ضرورت ایجاد دولت نیز احساس شد. پیدایش دولت از دید ارسطو قدمتی به تاریخ اجتماعات بشری، دارد. زیرا دولت و نظام سیاسی یک ضرورت برای زندگانی جمعی انسان و در نتیجه اجتناب‌ناپذیر است و به تعبیر ارسطو امری طبیعی است. این ویژگی(یعنی بودن فرمانروا و فرمانبردار) در زنده‌گان رواندار، نتیجه‌ای از(نظام) سراسر طبیعت است.[۲۸]

اگر چه تیلی، تاریخ دولت‌های سنتی را حدود ۶۰۰۰ سال تا ۸۰۰۰ قبل از میلاد تخمین می‌زند.[۲۹] اما در مورد تشکیل دولت مدرن باید گفت که معاهده وستفالیا در ۱۶۱۶ آخرین حلقه از نظام اندام واره دولت را تکمیل و سرآغاز ظهور دولت مدرن را رسما اعلام کرد. این اسم از معاهدهٔ صلح وستفالی[۲۱](۱۶۴۸) به عاریت گرفته شده که حاوی بیانیه‌ای رسمی و قدیمی درباره اصول اساسی است که تا سه قرن بعد بر امور جهانی سیطره داشت. نظام وستفالی، نظم مبتنی بر «دولت-ملت» بود.[۳۰] علت انتخاب این مقطع تاریخی آن است که بعد از قرارداد وستفالی، نظام بین‌الملل به مفهوم امروزی به وجود آمد.[۳۱] به عبارت دیگر در پایان جنگ‌های ۳۰ ساله در سال ۱۶۴۸ که در اروپا میان ایالت‌های شاهزاده‌نشین تحت حاکمیت امپراطوری رم و پادشاهان فرانسه و اسپانیا اتفاق افتاد عهدنامه وستفالیا به امضا رسید. که مهم‌ترین دستاورد آن عبارت بود از ایجاد مفاهیم جامعه بین‌المللی به معنای امروزین کلمه یعنی متشکل از دولت‌های مستقل و مدرن.[۳۲] به این ترتیب پوسته امپراتوری شکاف خورد و چهارصد شاهزاده‌نشین به حاکمیت و استقلال دست یافتند. چنین بود که وستفالی سمبل و نماد عصر جدید و نقطه آغاز دولت‌های ملی قلمداد شد. طبق این معاهده تمام کشورها توافق کردند که به مرزهای سرزمینی یکدیگر احترام گذارده و از مداخله در امور داخلی همدیگر پرهیز کنند. بر این اساس، کنترل بر سرزمین از سوی حاکمیت، معیار اصلی برای ابراز وجود یک «کشور» شد.[۳۳] رسمیت یافتن اصل حاکمیت اسباب ظهور دولت به عنوان تنها بازیگر عرصهٔ داخلی و بین-المللی را به همراه داشت.[۳۴]

۳- کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی

نظم مبتنی بر دوران وستفالی دوران اقتدار مطلق دولت-ملتهاست؛ دورانی که در آن حقوق و امتیازات دولتها در حقوق بین‌الملل تبیین شده است. کشورها از زمان صلح وستفالی در ۱۶۴۸ به عنوان بازیگران اصلی شناخته می‌شوند که دارای حقوق و تکالیف هستند.[۳۵] و حقوق بین‌الملل نیز سیستم قواعد و مقرراتی است که در درجه اول شامل دولت‌ها می‌شود. در حوزه‌های مختلف حقوق بین‌الملل وجود کنش‌های حمایتی حقوق بین‌الملل از تابعان مبتنی بر نظام وستفالی یعنی دولت‌ها را می‌توان مشاهده کرد.

۳-۱ حقوق بین‌الملل دیپلماتیک و دیپلماسی حمایت

دیپلماسی[۲۲]، هنر و روش انجام مذاکره با دولت‌های خارجی برای دست‌یابی به روابط سیاسی رضایت‌بخش و متقابل است.[۳۶] معنای خاص دیپلماتیک، روابط خارجی دولت و دیپلماسی، نحوه اداره آن روابط است[۳۷] به بیان دیگر، تمام روابطی که میان کشورها، از طریق نمایندگان دیپلماتیک آنها صورت می‌گیرد، اصطلاحا روابط دیپلماتیک[۲۳] نامیده می‌شود.[۳۸] حقوق‌دانان کمتر به تعریف حقوق

---

20 - Charles Rousseau.
21 -Westphalia Pacts.
22 - Diplomacy.
23 - Diplomatic relations.

دیپلماتیک اشاره کرده‌اند. شاید رائول ژنه[۲۴] اولین حقوق‌دانی باشد که در این زمینه تعریفی ارائه کرده است. او می‌گوید: حقوق دیپلماتیک شاخه‌ای از حقوق عمومی است که درباره اعمال و نظامات روابط خارجی دولت و نمایندگی او در خارج بحث می‌کند؛ یعنی هم از امور بین‌الملل و هم از نحوه اجرای آن‌ها. و یا: حقوق دیپلماتیک مجموعه قواعدی است که نظام روابط سیاسی خارجی دولت‌ها بر آن استوار است[۳۹]

دیپلماسی پیشینه‌ای به درازی تاریخ داشته[۴۰] و قدمت آن را برخی به دوران پارینه سنگی در میان قبایل استرالیا، ساحل-نشینان جزایر اقیانوس آرام، سیاهان آفریقا، سرخپوستان شمال و جنوب آمریکا و مردم چین و هندوستان نسبت داده‌اند. به همین خاطر منتسکیو در کتاب روح‌القوانین معتقد هست همه ملل حتی انسان‌ها و قبایل ابتدایی نیز نوعی حقوق بین‌الملل[۲۵] داشته‌اند.[۴۱] نظریه-پردازان در قرن شانزدهم معتقد بودند فرشتگان نخستین دیپلمات‌ها بودند زیرا به عنوان فرستادگان میان آسمان و زمین خدمت می-کردند[۴۲] اما عصر جدیدی از روابط دیپلماتیک مدرن با رنسانس و شهرهای ایتالیا همراه است. اولین مأموریت دائمی ثبت شده در ژنو در سال ۱۴۵۵ تاسیس شد. این سیستم مدیریت ارتباط بین دولتها[۴۳] به عنوان یک نظم تاریخی توسط منبع اولیه حقوق بین‌الملل یعنی قواعد عرفی اداره می‌گردید. لوفور[۲۶]، نویسنده حقوقی نخستین طرح تدوین جزئی، حقوق دیپلماتیک را در قراردادهای کنگره «وستفالی»(۱۶۴۸) ارائه داد.[۴۴] اولین کنفرانس بین‌المللی در مورد وضعیت نمایندگان دیپلماتیک کنگره وین در سال ۱۸۱۵ منجر به طبقه‌بندی عوامل دیپلماتیک و قانونگذاری در مورد دیپلماتیک گردید.[۴۵] در کنفرانس پان آمریکای هاوانا در سال ۱۹۲۸ مصونیت‌ها و امتیازات نمایندگان دیپلماتیک تدوین شد.[۴۶] ، اما کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک[۲۷] که در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ در وین امضا شده است نقطه آغاز هر گونه بحث درباره روابط دیپلماتیک می‌باشد.[۴۷]

اگرچه روح حاکم بر دیپلماسی بر اساس(بده-بستان) است. به قول فرانسویها، اصل«Rein pour Rein» یعنی «هیچ برای هیچ» بر تمام مذاکرات ناظر و حاکم است، و در مذاکرات دیپلماتیک، دیپلماتها می‌کوشند حداقل امتیاز را به طرف مقابل داده و حداکثر امتیاز را کسب نماید. اما در پرتو تحولات جامعه بین‌المللی و شیوه‌های دیپلماسی، اکنون در ادبیات دیپلماسی مکانیزم‌های نوین دیپلماتیک ظهور نموده‌اند که در واقع قابل مقایسه با آن چیزی است که ما کنش‌های حمایتگرانه حقوق بین‌الملل می‌نامیم. به عبارتی در گذشته دیپلماسی بین کشورها بیشتر به موضوعاتی هم‌چون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور با یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مربوط می‌شد، اما در شرایط کنونی جهان علاوه بر آن‌ها موضوعاتی همچون روابط تجاری، مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آن‌ها با سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته است.[۴۸]

وجود دیپلماسی حمایت و مسائل مربوط به آن محدود به زمانی معینی نیست، تنها سیر تکوینی آن موجب تکامل روشی آن شده وگر نه اساساً همیشه در صورت بوجود آمدن شرایط لازم موضوعیت می‌یابد. فرانتس آلتهایم معتقد است که اوج این مسائل مربوط به زمان جنگ سرد است اما محدود به زمان معینی نیست زیرا در صورت تأمین بودن شرایط در هر دوره‌ای می‌تواند پدید آید. آلتهایم سپس به مرزهای نامرئی دولت روم در خط کمربندی کشورهای مورد حمایت روم که کمک دریافت می‌کردند و در مقابل متعهد به پیروی از آن دولت بودند اشاره می‌کند؛ خطی که مرزهای واقعی را تا کرانه‌های رود رن، دانوب و فرات پیش می‌برد و سرزمین اصلی فرمانروایی را احاطه می‌کرد. آلتهایم می‌نویسد به آسانی می‌توان نشان داد که ایرانیان نیز نظام مشابهی داشتند. در کنار کشور و سرزمینهای مورد حمایت، تعداد به مراتب بیشتری ملت و کشورهای توسعه نیافته وجود داشت. مقصود مللی از آن دوران تاریخ است که همواره نیازمند پول بودند و چشم طمع به گنجینه‌های دولتهای بزرگ داشتند. این توده‌های ناخوشایند و مداوم در حرکت، ژرمنها، اسلاوها، هون‌ها، هفتالیتها، عشایر شترسوار، قبایل کرانه‌های نیل ارزق و دریاچه تانا، و اعراب بدوی و شهرنشین شبه جزیرهٔ عربستان بودند.[۴۹]

نخستین کمک‌های اقتصادی و مالی صورت گرفته در سطح بین‌المللی نه تنها در جهت تامین معیشت و اهداف انسانی نبود بلکه کاملا برخلاف آن و در جهت سرکوب آزادی و تقویت ارتجاع بود. در ۱۵ نوامبر ۱۸۱۵ امپراطور روس و اطریش و پادشاهان پروس و انگلیس بر سر معاهده‌ای که ضمن اردوکشی به فرانسه و سرکوب جنبش پیروزمند آزادی فرانسه منعقد نمودند تجدید عهد کردند. دولت فرانسه نیز به موجب همین معاهده به دول فوق پیوست و یک اتحادیهٔ پنج شاهی پدید آمد. سلاطین گرد آمده در اکس لاشپل طی یک پیمان سری قید کردند که هر دولتی که از اتحادیهٔ آن‌ها درخواست کمک کند اتحادیه کمکهای مادی و مایحتاج مورد نیاز آن دولت را تامین خواهد کرد

---

[24] - Raoul Genel.
[25] -Customary rules of international law.
[26]- Lefur.
[27] - VCDR: Vienna Convention on Diplomatic Relations, signed in Vienna on 18 April 1961 and entered into force on 24 April 1964, UNTS, vol 500, p 95 (191 State parties). Two optional protocols were added to the Convention: the Optional Protocol to the Vienna Convention on Diplomatic Relations concerning Acquisition of Nationality, signed on 18 April 1961 and entered into force 2 May 1964, UNTS, vol 500, p 223 (51 State parties) and the Optional Protocol to the Vienna Convention on Diplomatic Relations concerning Compulsory Settlement of Disputes, signed on 18 April 1961 and entered into force 2 May 1964, UNTS, vol 500, p 241 (70 State parties).

پس از کنگره اکس لاشاپل (آخن) در ۱۸۱۸، کنگره‌های مشابهی در وین در ۱۸۲۰، تروپو در ۱۸۲۰ و لایباخ در ۱۸۲۱ و ورونا در ۱۸۲۲ برگزار شد، که وجه مشترک همه این کنفرانسها تصویب کمکهای اقتصادی و مادی جهت سرکوب انقلابات و شورشها بود. وقتی خبر انقلاب اسپانیا به گوش پادشاهان مستبد اروپا رسید به وحشت افتادند و تزار روسیه به محض اطلاع از آن، به سلاطین اتحاد مقدس پیشنهاد کرد که کلیهٔ اقدامات حمایتی لازم برای کمک به فردیناند هفتم بکار گرفته شود.[۵۰]

دیپلماسی حمایت در دوران معاصر با سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا عجین شده است. ایالات متحده در سال ۱۹۴۷ براساس دکترین ترومن، دفاع از یونان و ترکیه، و در سال ۱۹۴۹ دفاع از اروپای غربی را تقبل کرد. و در دهه‌های بعد در بیشتر نقاط جهان حمایت از برخی دولت‌ها را هدف خود قرار داد. ویلسون، جکسون، آیزنهاور، لیندن جانسون، کندی، و تقریباً همهٔ روئسای جمهوری آمریکا دکترین‌هایی مبنی بر حمایت مالی، نظامی و... نسبت به کشورهای گوناگون در مناطق مختلف جهان دارند. هنری کسینجر در این باره می-گوید: توسعه همه جوامع از زمان طرح مارشال هدف خاص ایالات متحده آمریکا بوده است.[۵۱] در حقوق بین‌الملل تنها اعمال مداخله‌آمیز منع شده است لذا نه تنها دیپلماسی حمایت منع نشده بلکه در بررسی آماری مشخص شد که منشور در دو مرحله بر اصل «حاکمیت»[۲۸] و عدم مداخله(مواد ۲ و ۷۸) و هشت مرتبه بر ضرورت «همکاری دولت‌ها[۲۹]» و «تشریک مساعی به یکدیگر» تصریح نموده است. همکاری و همبستگی بین‌المللی و حمایت دولت‌ها از همدیگر در قطعنامه‌های ۱۰۲۷، قطعنامه ۱۰۴۳، قطعنامه ۲۲۷ و قطعنامه ۲۲۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز مورد تاکید واقع شده است.[۵۲] دیوان بین‌المللی دادگستری هم در قضیهٔ اقدامات نظامی و شبه‌نظامی آمریکا علیه نیکاراگوئه ا علام کرد که صرف ارائهٔ کمکهای بشردوستانه به اشخاص نیازمند، دخالت غیرقانونی یا مصداق عنوان غیرقانونی دیگری برخلاف حقوق بین‌الملل محسوب نمی‌شود.[۵۳] دیپلماسی حمایت در واقع استفاده از ابزار اقتصاد برای تقویت دیپلماسی و حضور کشورها در خارج است. ترومن این نوع دیپلماسی را کشورداری اقتصادی می‌خواند و معتقد هست: «روابط ما، چه خارجی و چه اقتصادی از یکدیگر جدایی-ناپذیر هستند». کلینتون دربارهٔ کشورداری اقتصادی این‌گونه توضیح می‌دهد: «ما اساسا بر این باوریم که افزایش دادوستد بازرگانی و گسترش رفاه حال مردم در همه جا سودمند خواهد بود....».[۵۴] دیپلماسی حمایت به صورت کمک‌های پروژه‌ای، برنامه‌ای، اقتصادی، نظامی، و... صورت می‌گیرد. امروزه بخش قابل توجهی از دیپلماسی حمایت را می‌توان در کمک‌های خارجی به کشورهای آفریقایی مشاهده نمود. شایان ذکر اینکه سازمان ملل متحد نیز همواره در دو برهه مذکور نقش‌آفرینی کرد و تلاش این سازمان در مسائل استراتژیک و امنیتی آفریقا خصوصا در قالب نیروهای حافظ صلح به چشم می‌خورد. به طوری که از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۸ تعداد ۲۵ گروه حافظ صلح ملل متحد در آفریقا مأموریت یافته‌اند که تاکنون مأموریت ۱۸ گروه به پایان رسیده و ۷ گروه همچنان در آفریقا حضور دارند.[۵۵]

۳-۲ حقوق بین‌الملل دریاها و حمایت از کشورهای محاط در خشکی و کشورهای توسعه نیافته

کشور خشکی‌بست (همچنین محصور در خشکی یا محاط به خشکه یا بی‌دریا[۳۰])، به کشوری اطلاق می‌شود که هیچ‌گونه دسترسی به آبهای آزاد (اقیانوس‌ها و دریاها) نداشته باشد. در حال حاضر ۴۳ کشور در دنیا این وضعیت را دارند.[۵۶] یکی از پیچیده‌ترین مسائل در روابط بین‌الملل، دسترسی کشورهای محصور در خشکی به دریا و منابع آن است. این کشورها برای دسترسی به دریا باید از سرزمین دولتهای دیگر که سر راهشان قرار دارند، عبور کنند و اغلب مشاهده می‌شود که این عبور مستلزم پرداخت عوارض سنگینی است.[۵۷] از لحاظ جغرافیایی کشور محصور در خشکی، شامل دولتی می‌شود که فاقد ساحل است[۵۸] و بنابراین باید به یک یا بیش از یک کشور همسایه برای دسترسی به دریا وابسته باشد. از نظر حقوقی و مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز دولت محصور در خشکی به معنای دولتی است که فاقد ساحل است.[۵۹]

بررسی حقوق کشورهای محاط در خشکی از جهات گوناگون دارای اهمیت حقوقی می‌باشد؛ از یک سو ایجاد و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از اهداف اصلی حقوق بین‌الملل می‌باشد که این مهم جز از طریق احترام به اصولی چون توسعه روابط دوستانه بین‌المللی، تحکیم همکاری‌های بین‌المللی در جهت حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا دارای خصیصه بشردوستانه احترام به حقوق بشر و محیط-زیست و استفاده صلح‌آمیز از قلمروهای بین‌المللی ناممکن است، این در حالی است که با توجه به نقش دریاها در امنیت، توسعه، ارتباطات و... کشورها، این عامل به گونه ای غیر مستقیم- اما موثر- با صلح و امنیت بین‌المللی در ارتباط می‌باشد، تا جایی که می‌توان ادعا نمود که خیلی از کشورهای محاط درخشکی دارای مشکلات سیاسی، اقتصادی و... هستند و این مشکلات گاه تا حد جنگ‌های داخلی و حتی بحران های منطقه‌ای پیش می‌رود. اهمیت دیگر آن به دلیل اهمیت عدالت در حقوق بین‌الملل است. کشورهای محصور در خشکی به دلیل شرایط ژئوپولیتیکی خاص از دسترسی مستقیم به دریاها، منابع دریایی، حمل و نقل دریایی و دیگر منافع قابل استفاده از دریاهای آزاد محرومند.

---

[28]-Sovereignty.
[29] - Cooperation.
[30] - Landlocked state/land-locked state, landlocked country, landlocked.

این محرومیت تاثیری مستقیم بر توسعه آن کشورها و از آن طریق بر سطح رفاه و حقوق اقتصادی ساکنان آن می‌گذارد. بر اساس اعلام سازمان ملل متحد، شانزده کشور محاط در خشکی در زمره کم توسعه یافته‌ترین کشورها قرار دارند.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز با توجه به اهمیت حقوق کشورهای محاط در خشکی، قطعنامه‌های بسیاری در این مورد صادر کرده است. در بررسی صورت گرفته از قطعنامه‌های مجمع عمومی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۶ مشخص شد که مجمع به استثنای سال ۲۰۰۳ (نشست پنجاه و هفتم)، هر سال یک قطعنامه راجع به کشورهای محاط در خشکی داشته است.[۶۰] با توجه به اینکه حدود یک پنجم کشورهای جهان دسترسی مستقیم به دریا ندارند، لزوم توجه به آن در مجموع آشکار می‌شود، به علاوه آنکه درمنطقه ما چندین کشور محاط در خشکی قرار دارد، که دسترسی برخی از آنان به بنادر نزدیک و مورد نیاز مستلزم عبور از خاک بیش از یک کشور است. نا گفته نماند که درعین حال کشورهای با سواحل نامساعد نیز وضعیتی نزدیک با کشورهای محاط در خشکی دارند، که برخی از قواعد حقوقی مربوطه در مورد آنان نیز قابل اعمال است.

قبل از ۱۹۱۴، در مورد اینکه آیا حقوق بین‌الملل عرفی به کشتی‌های دول محاط در خشکی اجازه کشتیرانی و برافراشتن پرچم در دریاها می‌دهد یا خیر، تردیدهایی وجود داشت. کسانی که مخالف چنین حقی بودند، بخصوص فرانسه، بریتانیا و پروس، استدلال می‌کردند که چون دول محاط در خشکی دارای بنادری در دریا نیستند و ناو جنگی ندارند، بنابراین نمی‌توانند تابعیت کشتی‌های تجاری خود را تأیید کنند و کنترل موثری بر آنها داشته باشند، ولی به هرحال طبق پیمان ورسای ۱۹۱۹ و سایر قراردادهای صلح که در پایان جنگ جهانی اول منعقد شد، عاقدین قراردادهای مزبور تقبل کردند پرچم کشتی‌های متعلق به اعضای محاط در خشکی را که در محلی از قلمرو آن دول به ثبت رسیده است و بندر محل ثبت کشتی‌ها محسوب می‌شود، به رسمیت بشناسند.[۶۱] حق فوق‌الذکر در خلال کنفرانس ۱۹۲۱ ارتباطات در ترانزیت جامعه ملل به صورت اعلامیه شناسایی حق پرچم کشورهای بدون ساحل دریایی مورد تأیید قرار گرفته است و عمومیت پیدا کرد. بعد از این تاریخ حق کشتیرانی برای دول محاط در خشکی به همان میزان کشورهای ساحلی پذیرفته شده است. به همین منظور کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو و کنوانسیون ۱۹۸۲ مقرر می‌کنند که کشتی‌های کلیه کشورها، خواه ساحلی یا محاط در خشکی، حق عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی را دارند و از آزادی کشتیرانی در آبهای ماورای آن برخوردارند. ماده (۱) ۱۴ کنوانسیون دریای سرزمینی، مواد (۱) ۲و ۴ کنوانسیون دریای آزاد، مواد ۱۷، (۱) ۳۸، (۱) ۵۲، (۲) ۵۲، (۱) ۵۸، ۸۷ و ۹۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ بر حق کشیرانی کشورهای محاط در خشکی در دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد تاکید دارند.[۶۲]

حق کشیرانی در دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد برای کشورهای محاط در خشکی، در صورتی‌که نتوانند از بنادر دول ساحلی استفاده کنند(بخصوص دول ساحلی همجوار) و حق دسترسی به دریا از طریق دولی که درحد فاصل آنها و دریاها قرار گرفته‌اند نداشته باشند، فایده زیادی نخواهد داشت. معمولاً حق دسترسی به بنادر بر اساس قراردادهای دوجانبه دوستی، تجارت و دریانوردی اعطاء می‌شود. این حق همچنین به ۳۳ کشور عضو کنوانسیون ۱۹۲۳ ژنو، در مورد نظام حقوقی بین‌المللی بنادر دریایی(از جمله ۵ کشور محاط درخشکی) داده شده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها مقرر می‌کند: که با «کشتی‌های حامل پرچم کشورهای محاط درخشکی در بنادر دریایی به همان ترتیبی رفتار خواهد شدکه با سایر کشتی‌های خارجی رفتار می‌شود»[۶۳] حدود این ماده کاملاً روشن نیست. آیا رفتار مزبور شامل دسترسی به بنادر می‌شود؟(همان طور که کنوانسیون ۱۹۲۳ پیش‌بینی می‌کند)؟ و یا منظور ماده ۱۳۱ صرفاً رفتاری است که با کشتی‌های دول محاط در خشکی پس از کسب اجازه دسترسی بر اساس مقررات دیگر می‌شود؟ اگر این مطلب اخیر درست باشد، به نظر می‌رسد که ماده فوق در عمل موردی برای استفاده نخواهد داشت، زیرا تعهد مزبور در کنوانسیون ۱۹۲۳و تقریباً همه قراردادهای دوجانبه برای دسترسی به بنادر وجود دارد. به هر حال رفتاری که می‌شود باید «مشابه با سایر کشتی‌های خارجی» باشد. این رفتار را نمی‌توان به حالت دول کامله الوداد تعبیر کرد. در واقع، هیچ چیز مانع از آن نیست که دولت ساحلی کمترین امتیاز ممکن را به دول محاط در خشکی بدهد.

مسأله دسترسی کشورهای محاط در خشکی و کشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی به منابع دریایی دارای سه جنبه مهم است: دسترسی اینگونه کشورها به منابع دریایی آزاد، نقش کشورهای مزبور در نظام بین‌المللی بستردریاها، و دسترسی آنها به منابع منطقه انحصاری اقتصادی.کشورهای موردنظر هیچ گاه در پی دسترسی به منابع دریای سرزمینی نبوده‌اند، به خاطر اینکه منطقه مزبور قسمتی از قلمرو دول ساحلی تلقی می‌شود وکشورهای دیگر به طور کلی از هیچ گونه حقوقی، در دسترسی به منابع آن، برخوردار نیستند. در این مورد ماده دوم کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای آزاد و ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ مقرر می‌کنند که آزادی‌های دریای آزاد توسط کلیه دول جهان، خواه ساحلی یا محاط در خشکی، قابل اعمال است. بدین ترتیب، دول محاط درخشکی و کشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی دارای حقوق دسترسی و استفاده از منابع دریای آزاد وکلوخه‌های بستر دریاها هستند(در صورتی‌که بتوان استفاده از کلوخه‌های بستر دریاها را یکی از آزادیهای دریای آزاد محسوب کرد) همچنین دول مزبور از استفاده‌های دیگر دریای آزاد، مثل تحقیقات علمی، پرواز برفراز دریاها و تعبیه کابلها و لوله‌های زیر دریایی وکشتیرانی بهره‌مند می‌شوند.

از این جنبه دوم دول مورد نظر تلاش کرده‌اند که حضور موثر وکاملی داشته باشند و به خاطر وضعیت جغرافیایی خود متضرر نشوند. کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای مواد متعددی برای حمایت از حقوق دول محاط در خشکی ودر حدکمتری برای دول دارای شرایط نامساعد جغرافیایی است. ماده ۱۴۸ که یکی از اصول کلی نظام بین‌المللی بستر دریا را درخود جای داده است مقرر می‌کند: «مشارکت موثر کشورهای در حال توسعه در فعالیتهای منطقه(بستر دریاها) با توجه مقتضی به منافع ویژه و احتیاجات آنها و بخصوص احتیاجات ویژه کشورهای محاط در خشکی و کشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی آنها است، از جمله دوری از منطقه و مشکل دستیابی به آن، غلبه کنند».[۶۴] در همین راستا ماده ۱۵۲ مقرر می‌کند که مقام بین‌المللی بستر دریاها[۳۱] در اعمال اختیارات خود تبعیض قایل نخواهد شد، در عین حال «ملاحظه خاصی به کشورهای در حال توسعه، از جمله توجه ویژه‌ای به دول محاط در خشکی و دارای شرایط نامساعد، جغرافیایی» خواهد کرد، به نحوی که در قسمت یازدهم کنوانسیون پیش‌بینی شده است. ماده ۱۶۰ از مجمع مقام بین‌المللی بستر دریاها می‌خواهد: «به مسائلی عمومی مربوط به عملکردهای منطقه، که بخصوص برای کشورهای درحال توسعه پیش می‌آید، توجه نشان دهد، بعلاوه، مسائل کشورها در ارتباط با عملکردهای منطقه، به سبب موقعیت جغرافیایی‌شان خصوصاً درمورد کشورهای محاط در خشکی و کشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی را مورد توجه قرار دهد». در اینجا باید توجه شود که مقررات فوق‌الذکر فقط مربوط به کشورهای در حال توسعه محاط در خشکی وکشورهای دارای شرایط نامساعد جغرافیایی است.

کنوانسیون ۱۹۸۲ مقررات ویژه‌ای به منظور حضور نمایندگان دول محاط در خشکی و دول دارای شرایط نامساعد جغرافیایی در شورای ۳۶ نفره مقام بین‌المللی بستر دریاها، که تنها ارگان دارای اعضای محدودی در آن است، پیش‌بینی کرده است. شش عضو شورای مزبور باید از کشورهای در حال توسعه باشندکه نماینده گروه‌های مختلفی از این نوع کشورها محسوب می‌شوند. گروه‌ها مورد اشاره شامل دول محاط در خشکی و دول دارای شرایط نامساعد جغرافیایی نیز می‌شود.[۶۵] بعلاوه در انتخاب اعضای شورا، مجمع مقام بین‌المللی باید اطمینان حاصل کند که دول محاط در خشکی و دول دارای شرایط نامساعد جغرافیایی «دارای نمایندگان کافی و متناسب با نمایندگیشان در مجمع می‌باشند».[۶۶] معهذا، کنوانسیون ۱۹۸۲ فاقد مقررات ویژه‌ای از لحاظ تأثیر استخراج بستر دریاها بر تولید کنندگان زمینی یا تقسیم درآمدهای مقام بین‌المللی بستر دریاها برای دول محاط درخشکی و دول درای شرایط نامساعد جغرافیایی است در مورد اول(اثرات تولید) مقررات ویژه کنوانسیون کلاً ناظر بر کشورهای در حال توسعه است[۶۷] در مورد دوم (تقسیم درامد) نیز کشورهای در حال توسعه عموماً از نوعی رفتار ترجیحی برخوردار می‌شوند[۶۸] ولی باید توجه کرد که به هنگام توزیع درآمدهای حاصله از بهره‌برداری کشورهای ساحلی در فلات قاره ماورای ۲۰۰مایل، مقام بین‌المللی بستر دریاها منافع و احتیاجات کشورهای در حال توسعه، بخصوص کشورهای کمتر توسعه یافته و محاط درخشکی را مورد توجه قرار خواهد داد»[۶۹] روی هم رفته آنچه درباره شرکت فعالانه و منافع نظام بستر دریاها ذکر شد کمتر از خواسته‌های دول محاط در خشکی و دول دارای شرایط نامساعد جغرافیایی است.

در واقع کنوانسیون حقوق دریاها را می‌توان تنها سند بین‌المللی الزام‌آور که در آن تاحدودی به وضعیت و توسعه کشورهای جهان سوم توجه شده است، دانست. در این کنوانسیون ۲۵ ماده به وضعیت کشورهای درحال‌توسعه اختصاص داده شده است و شرایط و مزایای خاصی برای پیشرفت و توسعه اقتصادی آنان درنظر گرفته شده است. دامنه‌ی این موارد بسیار وسیع می‌باشد؛ برخی از مهم‌ترین این مزایا شامل معافیت جهان سومی‌ها از برخی پرداخت‌ها، تقسیم عواید حاصل از فعالیت‌های ناحیه و سیاست‌های ناحیه به نفع آنان، انتقال دانش و فن‌آوری و نتایج تحقیقات علمی دریایی به این کشورها، توسعه و آموزش نیروی انسانی و ایجاد مراکز تحقیقاتی در کشورهای جهان سوم، مشارکت آنان در فعالیت‌های ناحیه، ایجاد شرایط مطلوب و منصفانه در قراردادهای مرتبط با حقوق دریاها با نگاه ترجیحی به این کشورها، انتخاب برخی اعضای شورای مقام و کمیسیون برنامه‌ریزی اقتصادی آن از میان کشورهای جهان سوم عضو و حتی تخصیص برخی وجوه نقدی به این کشورها برای جلوگیری از آلودگی دریا در مناطق مربوط به آنان؛ و در یک کلمه اصل رفتار ترجیحی در مورد کشورهای درحال‌توسعه و عقب‌مانده در این کنوانسیون حتی‌الامکان اجرا شده است. این کنوانسیون را باید اولین اقدام با ضمانت اجرای ملل متحد در راستای رسیدگی به وضعیت کشورهای جهان سوم و شاید حتی از اولین مقررات الزام‌آور حاکم بر حقوق بین‌الملل اقتصادی که در آن به حق توسعه توجه شده است، دانست. هرچند این کنوانسیون محدوده‌ی بسیار کمی از حق توسعه را در خود گنجانده است و فقط به بُعد اقتصادی، آن هم مقررات اقتصادی مربوط به حقوق دریاها توجه داشته است؛ اما می‌توان آن را نقطه آغازینی برای عملکردهای آینده‌ی ملل متحد با توجه به وضعیت خاص کشورهای جنوب درنظر گرفت.[۷۰]

[31] - International Seabed Authority.

۳-۳ حقوق بین‌الملل هسته‌ای[۳۲] و تبادل هرچه سریع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را برای مصارف صلح جویانه انرژی هسته‌ای

انرژی هسته‌ای از جمله انرژیهای پاک محسوب می‌شود. امروزه استفاده از انرژی هسته‌ای به عنوان یکی از ضروری‌ترین مسائل زندگی بشریت به حساب می‌آید. در یک تقسیم‌بندی کلی، کاربردهای انرژی هسته‌ای در دو بخش نظامی و غیر نظامی با اهداف صلح جویانه قرار می‌گیرد.[۷۱] بشر امروزی نیازی انکارناپذیر به دانش و فناوری هسته‌ای دارد؛ مطالبه این فناوری به دلیل کاربردهای دوگانه‌ای که دارد(صلح‌آمیز و غیر صلح‌آمیز) با محدودیت‌هایی مواجه است. در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که نهاد بین‌المللی ناظر در دستیابی کشورها به این فناوری است و همچنین در معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای که به‌منظور نظارت دقیق‌تر به تصویب کشورهای عضو آژانس رسیده است سه هدف مدنظر قرارگرفته است: ۱) استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای ۲) عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای. ۳- خلع سلاح هسته‌ای.[۷۲]

معاهده «ان.پی.تی» که حاصل چهار سال مذاکرهٔ سخت و مفصل در کمیتهٔ خلع سلاح هیجده ملت و کمیته امنیتی و سیاسی مجمع عمومی بود که به تهیهٔ پیشنویس این قرارداد منجر شد و با تصویب آن به وسیله مجمع عمومی در ژوئن ۱۹۸۶ صورت قانونی یافت و در سال ۱۹۷۰ اعضا لازم‌الاجرا شد سه هدف مذکور را دنبال می‌کند[۷۳] در مفاد «ان.پی.تی» در همان ماده اول و دوم، اعضای این پیمان به دو دسته «دارا» و «ندار» تقسیم گردیده و هر یک دارای تعهداتی ویژه شده‌اند. کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای تعهد می‌کنند که از انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا وسایل منفجره هسته‌ای به دولت‌هایی که این نوع سلاح را در اختیار ندارند، اعم از آنکه عضو پیمان باشند یا نه، خودداری کنند و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای نیز متعهد می‌گردند که هیچ گونه سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای دریافت نکنند و از تلاش برای ساخت یا کسب این سلاح بپرهیزند و حتی در فکر آن نیز نباشند. پیام روشن این پیمان آن است که کشورهایی که این فنّاوری را دارند، حق آنان است. طبق پیمان مذکور، این کشورها عبارتند از: کشورهایی که پیش از اول ژانویه ۱۹۶۷ سلاح هسته‌ای یا دیگر وسایل منفجره هسته‌ای را تولید و منفجر کرده‌اند; یعنی همان پنج کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد که دارای حق وتو نیز هستند.(آمریکا، انگلستان، شوروی، فرانسه و چین) اما کشورهایی که فاقد این فنّاوری هسته‌ای هستند، نباید آن را داشته باشند و باید از این حق محروم باشند; نه خودشان اجازه دارند در این زمینه تلاش کنند و نه کشورهایی که دارای این فنّاوری هستند، مجازند به آنان کمک کنند.[۷۴] با وجود این، در خود پیمان «ان.پی.تی» به صراحت مقرّر شده است: هیچ یک از مواد این پیمان به نحوی تفسیر نخواهد شد که به حقوق غیرقابل انکار هر یک از اعضای این پیمان به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره برداری از انرژی هسته‌ای به منظور اهداف صلح جویانه بدون هر نوع تبعیض و بر اساس مواد ۱ و ۲ این پیمان، خللی وارد نماید[۷۵]، بلکه همه اعضای این پیمان متعهد می‌شوند که تبادل هرچه سریع‌تر تجهیزات، مواد، دانش و اطلاعات فنی را برای مصارف صلح جویانه انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند و حق شرکت در این مبادلات را دارا شوند.[۷۶]

هدف اصلی ماده ۴ حمایت از حقوق اعضا در برخورداری از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز است. عبارات ابتدایی این ماده بر «حق غیرقابل تفویض[۳۳]»، «حق‌لاینفک[۳۴]»، «حق‌ذاتی[۳۵]» یا «حق غیرقابل سلب[۳۶]» دولت‌ها در بهره‌مندی از توسعه، تحقیقات و استفاده از انرژی هسته‌ای بـرای مقاصد صلح‌آمیز را مورد تأیید قرار می‌دهد.[۷۷] تعهدات مثبت یعنی اقدام دولت‌های هسته‌ای در راستای فراهم شدن امکان توسعه یافتگی سایر کشورها به گونه‌ای که قادر به استفاده از فواید انرژی اتمی در امور صلح‌آمیز گردند، از ماده ۴ معاهده عدم گسترش استنباط می‌شود. بر اساس بند ۱ ماده ۴ این معاهده: کلیه دولتهای عضو متعهد می‌شوند که مبادله هرچه وسیع‌تر تجهیزات، مواد، اطلاعات علمی و فناوری را به منظور استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تسهیل نمایند. تکلیف ناشی از همبستگی دیگر فقط در قالب کمک کردن تجلی نمی‌یابد. کمکها اغلب یادگار زمان استعمار هستند. در روح حاکم بر نظم اقتصادی بین‌المللی تکلیف شامل مجموع روابط شمال و جنوب می‌شود و آن به دلیل تعلق کلیه دولتها به یک جامعه بین‌المللی است. جامعه بین‌المللی که نیروی بسیج کننده‌اش ناشی از ماهیت تقریباً اسطوره ای آن می‌باشد.[۷۸]

در راستای تحقق ماده ۴ معاهده عدم اشاعه، کنفرانس بازنگری ان.پی.تی در سال ۱۹۶۸ مجددا بر تعهد «کشورهای بهره‌مند» برای مشارکت، به تنهایی یا با همکاری سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی، در جهت توسعه هرچه بیشتر کاربردهای انرژی هسته‌ای در مقاصد صلح‌آمیز، به ویژه در سرزمین کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای عضو معاهده (با عنایت ویژه به نیاز نواحی در حال توسعه جهان) تأکید نمود. معاهده ان.پی.تی وظیفه نظارت و کنترل فعالیت‌های هسته‌ای دولتهای عضو را بر عهده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار می‌دهد. آژانس

---

32 - Non Proliferation of Nuclear weapons Treaty.
33 - Untransferable right.
34 - Inalienable right.
35 -Intrinsic right.
36 - Inviolable right.

بین‌المللی انرژی اتمی در راستای محقق ساختن دو هدف "تسریع و توسعه مصارف و کاربردهای انرژی اتمی جهت صلح، سلامت و موفقیت در سراسر جهان" و تضمین این که کمک‌های فنی و مالی اعطا شده از جانب آن به کشورهای عضو مورد استفاده غیر صلح‌آمیز قرار نگیرد" نقش بسیار مهمی دارد.[۷۹]

از یک‌سو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نقش مهمی را در انتقال تکنولوژی هسته‌ای برای مصارف صلح‌آمیز از طریق «برنامه همکاری فنی خود» ایفاء می‌نماید. برنامه‌های این آژانس، به طور مشترک از طریق دبیرخانه و دولت‌های عضو بسط پیدا می‌کند. این برنامه، بر ارزیابی اولویت‌ها، شرایط و توسعه در هر کشور یا منطقه خاص استوار است.[۸۰] تقاضاهای پروژه‌های رسیده از کشورهای عضو، برطبق معیارهای مقتضی تشکیل و نهایتاً با ارزیابی و تصویب نهایی شورای حکام به پایان می‌رسد. برنامه‌های آژانس، هم‌چنین شامل پروژه‌های منطقه‌ای و بین منطقه‌ای، به منظور ارتقای کارایی، اجرا یا بهره‌گیری بهتر از تجربه جمعی و منافع دولت‌های عضو می‌باشد.[۸۱] آژانس، به علت کمبود منابع برای انتقال تکنولوژی، بر روی فعالیت‌هایی تاکید دارد. که هم مسئله توسعه داخلی و هم کم هزینه بودن آن از خصیصه-های اصلی آن است. این برنامه، به مجموعه ابتکاراتی دست یافته است که همگی بیانگر تغییر تدریجی برنامه همکاری فنی آژانس از انجام پروژه‌های با هدف ایجاد توانایی در صلاحیت‌ها و نهادهای هسته‌ای، به سمت همکاری با سازمان‌های همکار برای توسعه بشری تولید و پایدار است. در سال ۱۹۹۷ میلادی، استراتژی همکاری فنی به عنوان هدف استراتژیک جدید در همکاری‌های فنی اعلام شد. براین اساس «باید به طور فزاینده همکاری فنی با کشورهای عضو، باعث ارتقای ارتباطات محسوس اجتماعی–اقتصادی از طریق مشارکت مستقیم و کم هزینه شود تا اولویت‌های مهم توسعه پایدار هر یک از کشورها حاصل آید» آژانس، این همکاری را با مشارکت خود و کشورهای عضو و با هدف نیل به توسعه پایدار عینیت خواهد بخشید.[۸۲] پروژه‌های همکاری، ممکن است شامل یک یا چند مورد از عناصری چون کارشناسان، تجهیزات و مواد، دیدارهای آکادمیک و علمی، دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های هم‌اندیشی و قراردادهای فرعی باشند.[۸۳]

۳-۴ حقوق بین‌الملل محیط زیست وتوامندسازی دولت‌های در حال توسعه: از کمک‌های مالی تا انتقال تکنولوژی‌های سبز

حمایت از محیط زیست دولت‌های در حال توسعه در حقوق بین‌الملل محیط زیست اولین بار در اعلامیه استکهلم مورد تاکید قرار گرفت. اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: در کشورهای در حال توسعه بیشتر مشکلات زیست محیطی به خاطر عدم توسعه ایجاد می‌شود. این مشکلات می‌توانند با توسعه سریع از طریق انتقال اطلاعات و کمک‌های فنی و مالی به بهترین شکل جبران شوند.[۸۴] زیرا در کشورها مسائل محیط زیست معمولا به صنعتی کردن و توسعه تکنولوژی مربوط می‌شود. پس از آن کمک‌های فنی و مالی بین‌المللی ترجیع‌بند اکثر معاهدات مربوط به حقوق بین‌الملل محیط زیست گردیده است. اصل ششم اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: شرایط مخصوص احتیاجات کشورهای توسعه‌نیافته، به ویژه کشورهای فقیر و کشورهایی که در زمینه محیط‌زیست به تنهایی قدرت مقابله با آلودگی را ندارند، ایجاب می‌کند، در رأس حمایتهای جهانی قرار گیرند. سازمان‌ها و جنبش‌های بین‌المللی محیط زیست و توسعه باید منافع و نیازمندی‌های هر کشور را مد نظر قرار دهند.[۸۵]فصل ۳۳ و ۳۴ دستور کار ۲۱ نیز به مکانیسم‌ها و منابع مالی و انتقال تکنولوژی سالم زیست محیطی، همکاری، ظرفیت-سازی می‌پردازند.[۸۶] مطابق اصل ۱۰ اصول حفاظت از جنگلها باید منابع مالی جدید و اضافی در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار گیرد تا ایشان را قادر سازد از طرفی مانند جنگل‌کاری، تجدید جنگل، مبارزه با جنگل‌زدایی و مبارزه با تخریب جنگل و زمین به گونه‌ای پایدار جنگل‌های حوزهٔ مدیریت خود را محافظت نموده و توسعهٔ دهند.[۸۷] در بند ۲۴ بیانیه اجلاس جهانی توسعه پایدارآفریقای جنوبی مقرر گردیده: ما باید توجه خاص خود را به نیازهای توسعه‌ای دولت‌های در حال توسعه جزایرکوچک و کشورهای کمتر توسعه یافته تداوم بخشیم.[۸۸]

کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی وطبیعی جهان در ماده ۱۹ خود بر کمک بین‌المللی تاکید نموده و مطابق ماده ۱۵ اقدام به تاسیس صندوق میراث جهانی نموده است.[۸۹] کنوانسیون تنوع زیستی از جمله کنوانسیون‌های محیط زیستی می‌باشد که بیش از سایر معاهدات حمایت از کشورهای در حال توسعه را مدنظر قرار داده است. ماده ۱۶ کنوانسیون تنوع زیستی به دسترسی به تکنولوژی و نحوه انتقال آن پرداخته است. این کنوانسیون دو قاعده را در مورد نحوه دسترسی و انتقال تکنولوژی مدنظر قرار داده است. اولین شرط «ایجاد بسترهای‌تأمین و یا تسهیل» می‌باشد. مطابق بند ۱ کشورهای عضو موظفند تسهیلات لازم را برای دسترسی و انتقال تکنولوژیهایی مربوط به حفاظت و استفاده پایدار از تنوع زیستی را برای سایر کشورهای عضو تأمین و یا تسهیل کند. علاوه بر قاعدهٔ «فراهم نمودن امکان دسترسی»، دومین شرط در زمینه انتقال تکنولوژی‌های سبز[۳۷] «شرایط منصفانه و مناسب» نام گرفته است. کنوانسیون تنوع زیستی تأکید دارد که انتقال فناوری به کشورهای درحال توسعه باید با شرایط منصفانه و مطلوب، ازجمله شرایط اعطایی ترجیحی مورد توافق دو طرف در شناسایی حقوق بالقوه مالکیتهای فکری متعهد باشند.[۹۰] مشابه همین وضعیت را در پروتکل کیوتو و پروتکل مونترال هم مشاهده می-کنیم. ماده ۷ موافقتنامه تریپس آشکارا بیان می‌دارد که حقوق مالکیت فکری باید در انتقال فناوری به طرز مناسب به رفاه اقتصادی و

[37] - Transfer of Environmentally Sound Technology (EST)

اجتماعی کمک کند.[۹۱] به موجب کنوانسیون ۲۰۰۱ رم، دسترسی و انتقال فناوری ازجمله فناوریهایی که با حقوق مالکیت معنوی حمایت می‌شوند به کشورهای در حال توسعه که طرف متعاهد این کنوانسیون هستند به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای با اقتصاد در حال گذر با شرایط منصفانه و کاملاً مطلوب فراهم و یاتسهیل خواهد شد، به‌ویژه در مورد فناوری‌های مورد استفاده برای حفاظت و همچنین «فناوریهای سودمند» برای کشاورزان در کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای با اقتصاد در حال گذر از جمله با شرایط اعطائی ممتاز و ترجیحی و موردتوافق متقابل، به‌ویژه از طریق مشارکت در تحقیقات و توسعه در قالب نظام چندجانبه. اینگونه دسترسی و انتقال در شرایطی صورت خواهد گرفت که با شناسایی و مطابقت بر حمایت کافی و مؤثر از حقوق مالکیت معنوی باشد.[۹۲]

ماده ۱۷ کنوانسیون تنوع زیستی ضمن در نظر گرفتن نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه بر تبادل اطلاعات تاکید نموده که مطابق بند ۲ این تبادل باید مبادله نتایج پژوهش‌های فنی، علمی، اجتماعی و اقتصادی و نیز اطلاعات مربوط به برنامه‌های آموزشی و بررسی ارزیابی، دانش‌های تخصصی، دانشهای بومی و سنتی و همچنین در ترکیب با تکنولوژی‌های یاد شده در بند (۱) ماده ۱۶ را شامل شود. مطابق ماده ۲۰(۴) میزان اقدام مؤثر کشورهای در حال توسعه عضو در ایفای تعهدات خود برابر این کنوانسیون، بستگی به ایفای موثر تعهدات مالی کشورهای پیشرفته عضو و نیز انتقال تکنولوژی از سوی ایشان به کشورهای در حال توسعه دارد. کشورهای عضو در اقدامات خود در مورد تأمین مالی و انتقال تکنولوژی، باید نیازهای خاص و شرایط ویژه کشورهایی را که از کمترین توسعه برخوردارند در نظر بگیرند. همچنین کشورهای عضو باید شرایط ویژه ناشی از میزان وابستگی به تنوع زیستی و پراکندگی و مکان تنوع زیستی در داخل کشورهای در حال توسعه عضو، به خصوص جزایر کوچک را در نظر بگیرند. در عین حال باید شرایط ویژه کشورهای در حال توسعه، از جمله آنهایی که از لحاظ محیط زیست از همه ضربه پذیرترند، نظیر کشورهای خشک و نیمه خشک ساحلی و کوهستانی مورد توجه قرار گیرد. مطابق بند ۱ ماده ۲۱ ترتیبات مالی برای ارایه منابع مالی به کشورهای در حال توسعه، به منظور تحقق اهداف این کنوانسیون، باید ترتیباتی براساس اعطای کمک بلاعوض یا شرایط اعطایی ایجاد شود.[۹۳]

در جهت حمایت از کشورها بند ۱ ماده ۲۰ پروتکل ایمنی زیستی مقرر می‌دارد: کمک به اعضاء در زمینه اجرای پروتکل با در نظرگرفتن نیازهای خاص کشورهای عضو در حال توسعه به خصوص کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال انتقال و نیز کشورهایی که مراکز مبدأ و مراکز تنوع ژنتیکی هستند، اتاق تهاتر ایمنی زیستی به عنوان بخشی از راهکار اجرایی پروتکل ایمنی زیستی تشکیل می‌گردد. بند ۴ ماده ۲۸ نیز مقرر می‌دارد: اعضاء بایستی نیازهای کشورهای عضو در حال توسعه به خصو ص کشورهای کمتر توسعه یافته یا کشورهای جزیره‌ای کوچک در حال توسعه و اعضاء دارای اقتصاد را نیز در تلاشهای خود برای شناسایی و اجرای الزامات ایجاد ظرفیت به منظور اجرای این پروتکل در نظر بگیرند.[۹۴]ماده ۸ معاهده بین‌المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی مقرر می‌دارد: طرفهای متعاهد موافقت می‌کنند که تأمین کمک فنی به طرفهای متعاهد به‌ویژه کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذر را با هدف تسهیل اجرای این معاهده به صورت دوجانبه یا از طریق سازمانهای بین‌المللی مربوط ارتقاء دهند. معاهده ۲۰۰۱ در مورد منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی[۳۸] در این زمینه بیان داشته است که طرف-های متعاهد مکلف به فراهم نمودن امکان دسترسی به فناوریهای حفاظت، شناسایی، ارزیابی و استفاده از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی را که در قالب نظام چندجانبه قرار دارند، هستند. به موجب بخشی از ماده ۱۳ این معاهده براین اساس طرفهای متعاهد با تصدیق اینکه بعضی از فناوری‌ها فقط می‌توانند از طریق مواد ژنتیکی منتقل شوند، دسترسی به اینگونه فناوریها و مواد ژنتیکی را که در قالب نظام چندجانبه قرار دارند و انواع اصلاح شده و مواد ژنتیکی ایجاد شده با استفاده از منابع ژنتیکی برای غذا و کشاورزی در قالب نظام چندجانبه را مطابق مفاد ماده ۱۲ فراهم و یا تسهیل می‌نماید.[۹۵]

ماده ۴ کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازن اعضاء می‌بایستی مبادله اطلاعات علمی، فنی اجتماعی، اقتصادی، تجاری و حقوقی مربوط به این کنوانسیون را، که در الحاقیه شماره ۲ با تفصیل بیشتر ذکر شده است تسهیل و ترغیب نمایند.[۹۶]بند ۲ ماده ۵ پروتکل مونترآل در مورد مواد کاهنده لایه ازن با در نظر گرفتن وضع خاص کشورهای در حال رشد مقرر می‌دارد: اعضاء تعهد می‌نمایند در جهت دسترسی اعضایی که در زمرهٔ کشورهای در حال رشد هستند به اجسام و تکنولوژی جایگزینی که به لحاظ زیست محیطی بی‌خطرند تسهیلاتی فراهم آورند و به آنها در استفاده صحیح از این اجسام و تکنولوژی جایگزین مساعدت نمایند. بند ۳ نیز در ادامه مقرر می‌دارد: اعضاء متعهد می‌شوند سوبسیدها، کمکها، اعتبارات، تضمین‌ها، یا برنامه‌های بیمه به منظور استفاده کشورهای عضوی که در حال رشد هستند از تکنولوژی جایگزین، به طور دو جانبه یا چندجانبه تأمین نمایند. ماده ۵ پروتکل مونترال ۱۹۸۷به موقعیت خاص کشورهای در حال توسعه می‌پردازد و به آنها یک دوره ۱۰ ساله برای انجام تعهدات اعطا می‌کند و تأکید می‌کند که دستیابی به اهداف پروتکل به همکاری مشترک مالی و انتقال تکنولوژی از کشورهای توسعه یافته منوط است.[۹۷]

[38] - La gestion des ressources phytogénétiques pour l'alimentation et l'agricultur.

بند ۴ ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا مقرر می‌دارد: کشورهای پیشرفته عضو و سایر کشورهای پیشرفته مذکور در ضمیمه (۲) به کشورهای در حال توسعه که به ویژه در مقابل اثرات سوء تغییرات آب و هوا آسیب‌پذیر می‌باشند در پرداخت هزینه‌های انطباق با اثرات سوء مذکور کمک خواهند نمود. مطابق بند ۵ همین ماده کشورهای پیشرفته عضو و سایر کشورهای پیشرفته مذکور در ضمیمه (۲) در صور ت اقتضاء تمامی اقدامات لازم برای ترغیب، تسهیل و تأمین اعتبار انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و تکنولوژی‌های کامل و معقول زیست محیطی به سایر اعضاء، مخصوصاً به کشورهای در حال توسعه جهت قادر ساختن آنها به اجرای مفاد این کنوانسیون را انجام خواهند داد. براساس بند ۶ همین ماده در اجرای تعهدات موضوع بند (۲) فوق می‌بایست درجه‌ای از انعطاف‌پذیری توسط کنفرانس اعضاء برا ی اعضاء مذکور در ضمیمه (۱) که در حال گذر از مراحل انتقال به اقتصاد بازار می‌باشند در نظر گرفته شود. بند هفتم ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا مقرر می‌دارد: میزان انجام مؤثر تعهدات کشورهای در حال توسعه به موجب این کنوانسیون به اجرای موثر تعهدات مالی و انتقال تکنولوژی کشورهای پیشرفته به موجب کنوانسیون بستگی خواهد داشت و این امر را کاملا در نظر خواهند گرفت که توسعه اقتصادی و اجتماعی و فقرزدایی از اولویتهای مهم کشورهای در حال توسعه می‌باشند.

نهایتا بند ۸ ماده ۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد: در اجرای تعهدات موضوع این ماده، اعضاء به نوع اقداماتی که به موجب این کنوانسیون مورد نیاز می‌باشند از جمله اقدامات مربوط به تأمین اعتبار، بیمه و انتقال تکنولوژی برای جوابگویی به نیازهای خاص کشورهای عضو در حال توسعه توجه کامل خواهند داشت.[۹۸] مطابق ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با بیابان‌زایی نیازها و شرایط و اوضاع و احوال کشورهای در حال توسعه مخصوصا کشورهای کمتر توسعه یافته باید در نظر گرفته شود. مطابق ماده ۴(۲)(ب) طرفها بایستی به موقعیت تحت تأثیر قرار گرفته کشورهای در حال توسعه در تجارت بین‌الملل، پرداخت بدهی‌ها و ترتیبات بازاریابی توجه خاصی داشته باشند، بند ۳ ماده ۴کشورهای در حال توسعه‌ای را که واجد شرایط کمک کردن در زمان اجرای کنوانسیون هستند، را معرفی می‌کند. ماده ۵ مسئولیت مشترک تمام طرفهای متأثر را تعیین می‌کند. در این میان ماده ۶ مسئولیت کشورهای توسعه یافته را بیان می‌کند. این تعهدات شامل قانونگذاری برای کمک مالی از منابع دولتی به کشورهای در حال توسعه، ترغیب به حمایت مالی از منابع خصوصی و غیردولتی و انتقال تکنولوژی به همه طرفها مخصوصا به کشورهای در حال توسعه، تعهد به توسعه تحقیقات در خصوص خشکسالی و بیابان‌زایی می‌شود.[۹۹] براساس ماده ۱۶ کنوانسیون رتردام اعضا به ویژه با در نظر گرفتن نیازهای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذر در جهت ارتقای کمک فنی برای توسعه زیر ساخت و ظرفیت لازم برای مدیریت مواد شیمیایی برای ایجاد زمینه جهت اجرای این کنوانسیون با یکدیگر همکاری خواهند کرد.[۱۰۰]

مطابق بند ۱ ماده ۱۲ کنوانسیون استکهلم درخصوص آلاینده‌های آلی پایدار اعضاء معتقدند که کمکهای به موقع و مناسب در پاسخ به درخواست کشورهای در حال توسعه و کشورهای با اقتصاد در حال گذر، در اجرای موفق این کنوانسیون بسیار حیاتی است.مطابق بند ۴ ماده ۱۲ اعضاء باید بطور مناسب ترتیباتی به منظور تأمین کمکهای فنی و تشویق انتقال دانش فنی و فن‌آوری به کشورهای عضو در حال توسعه و اعضای با اقتصاد در حال گذر، در رابطه با اجرای این کنوانسیون، اتخاذ نمایند. براساس بند ۲ ماده ۱۳ کنوانسیون استکهلم درخصوص آلاینده‌های آلی پایدار کشورهای توسعه یافته عضو، منابع جدید و فوق العاده‌ای برای توانمندسازی کشورهای در حال توسعه عضو و کشورهای با اقتصاد در حال گذر برای تعهدات این کنوانسیون تأمین خواهند نمود.[۱۰۱] مطابق بند ۴ ماده ۱۰کنوانسیون بازل با درنظر گرفتن نیازهای کشورهای در حال رشد، همکاری بین اعضای کنوانسیون و سازمانهای ذیصلاح بین‌المللی به منظور آگاهی عمومی، توسعه تکنولوژیهای مناسب اداره صحیح زباله‌های مضر و سایر انواع زباله از لحاظ زیست محیطی و استفاده از تکنولوژیهایی که حداقل زباله را تولید می‌نمایند، ترغیب می‌گردد. براساس بند ۱ ماده ۱۴ اعضای کنوانسیون موافقت می نمایند که حسب نیازهای خاص مناطق و مناطق فرعی مختلف، مراکز منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای برای آموزش و انتقال تکنولوژی مربوط به اداره زباله‌های مضر و سایر انواع زباله و به حداقل رساندن ایجاد آنها تأسیس گردد. اعضای کنوانسیون باید در مورد برقراری مکانیسم‌های مناسب و داوطلبانه تأمین مالی تصمیم بگیرند.[۱۰۲]

۳-۵حقوق تجارت بین‌الملل: از رفتار ترجیحی تا موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی

سازمان جهانی تجارت[۳۹] به عنوان متولی انتظام بخشی به تجارت بین‌المللی و رفع موانع موجود بر سر آن متشکل از مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌باشد. کشورهای در حال توسعه سازمان که گروه غالب این مجموعه هستند از جنبه‌های مختلف و خصوصا اقتصادی و توسعه‌ای فاصله عمیقی با کشورهای توسعه یافته دارند. دلایل گوناگونی مانند مشکلات صنایع داخلی، تراز پرداختی، ترس از تبعات منفی اعمال قواعد نظام تجاری چند جانبه میل به مشارکت و ادغام آنها را در این سازمان کاهش داده است. از آن‌جایی که کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی و در حال توسعه بیش از دو سوم از اعضای سازمان جهانی تجارت را تشکیل می‌دهند که سطح

[39] - World Trade Organisation (WTO).

توسعه، نیازهای اساسی و دغدغه‌های آنها متفاوت و نظام اقتصادی آنها اغلب ضعیف و شکننده و نیازمند حمایت بیشتر است، موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت حقوقی ویژه را به این دسته اعطا می‌کند[۱۰۳] که تحت عنوان «*رفتارهای ویژه و متفاوت*[۴۰]» از نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ و در دوران حیات گات وارد این نظام شد و با تاسیس سازمان جهانی تجارت به عنوان یک اصل و در عین حال استثنایی بر سایر اصول سازمان مطرح شد. این اصل دسته‌های مختلفی از رفتارها مانند دوره‌های انتقالی طولانی‌تر، حد نصاب‌های کمتر در تعهدات، کمک‌های فنی، دسترسی‌های بیشتر به بازار و رفتارهایی از این دست را در بر می‌گیرد تا از بروز تبعات ناگهانی مقررات سازمان بر این اعضا بکاهد. این ترجیحات غالبا در تمام موافقت‌نامه‌های کالایی و غیر کالایی سازمان با شدت و ضعف جهت مشارکت بیشتر این کشورها و بهره‌مندی افزون‌تر از مزایای نظام تجاری چندجانبه پیش‌بینی شده است که در برخی موارد موفق بوده است و در مواردی نیز ناکارآمد و سطحی در نظر گرفته شده است.[۱۰۴]

موضوع تاسیس نظام جهانی ترجیحات تجاری، برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ در جریان چهارمین نشست عمومی آنکتاد مطرح گردید و پس از چندین سال بررسی و تبادل نظر، اعلامیه‌های آن در سال ۱۹۸۴ توسط وزرای امور خارجه کشورهای گروه ۷۷ مورد پذیرش قرار گرفت. موافقت‌نامه این نظام، در سال ۱۹۸۵ در دهلی نو تایید گردید و در آوریل ۱۹۸۸ در بلگراد به امضا رسید. از لحاظ مبادله امتیازات، نحوه کار این نظام به این ترتیب است که کشورهای عضو ضمن مذاکرات دوجانبه و چند جانبه، برای کالاهای معینی که از سایر کشورهای عضو وارد کشور آنان می‌شود، درصدی به عنوان تخفیف حقوق و عوارض گمرکی در نظر می‌گیرند که اصطلاحا «امتیاز» نامیده می‌شود. کالاهای مورد نظر و همچنین نرخ پایه حقوق و عوارض گمرکی و نرخ ترجیحی آنان در جدولی به نام «جدول امتیازات» درج می‌شود. این امتیازات جنبه کامله الوداد دارد و هنگامی که کشوری برای کالاهای خاصی امتیازی به کشور دیگر می‌دهد، این امتیاز به سایر کشورهای عضو نیز تعمیم داده می‌شود.[۱۰۵]

ماده ۲۴ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت(گات) مصوب ماده ۱۹۴۷ به عنوان استثنایی بر اصل دولت کاملهٔ الوداد، اجازه تشکیل اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد را می‌داد.[۱۰۶] از هنگام تشکیل سازمان جهانی بازرگانی، بر شمار موافقت‌نامه‌هایی که بر مبنای ماده ۲۴ گات منعقد شده افزوده گردیده است به گونه‌ای که از ۱۹۹۵ به این سو تقریباً ۳۰۰ موافقت‌نامه تجارت ترجیحی پیشنهاد شده است. این گونه تبعیض (تعمیم ترجیحات به کشورهای گلچین شده) پس از آن مقبولیت یافت که کنگره ایالات متحده موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی را در ۱۹۹۳ به تصویب رساند و در پی اعطای اجازه ترویج تجارت در سال ۲۰۰۲ که به رئیس‌جمهور آن کشور اجازه «انجام اختصاری» مذاکرات تجاری چندجانبه و مذاکره درباره موافقت‌نامه‌های تجاری دو جانبه را می‌داد همچنان مقبولیت خود را حفظ کرده است. دسترسی ترجیحی به بزرگ‌ترین و ثروتمندترین بازار جهان برای دیگر کشورها جذابیت دارد و همین به مذاکره کنندگان ایالات متحده امکان می‌دهد تا پیگیر منافع گروه‌های نفوذ تجاری آن کشور باشند که حکایت از آن‌ها در گفت و گوهای چندجانبه دشوارتر است- برای نمونه، حمایت از حقوق مالکیت معنوی، افزایش ورود محصولات دیداری-شنیداری و دیگر خدمات به بازار، و آزادسازی جریان‌های سرمایه. هرچند بسیاری از ناظران نگران رشد موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی در نظام تجاری جهان هستند اما باید توجه داشت از این موقعیت کشورهای در حال توسعه می‌توانند استفاده کرده و برای کاهش آثار منفی الحاق به موافقت‌نامه‌های گات و سازمان تجارت جهانی تعرفه‌زدایی را با تعدادی از اقتصادهای همتراز تمرین کنند.[۱۰۷]

در مجموعهٔ قواعد سازمان تجارت جهانی«*رفتار ویژه و متفاوت*» برای کشورهای در حال توسعه یکی از اموری است که توجه کشورهای جهان سومی داوطلب عضویت در این سازمان را به خود جلب می‌کند، کما اینکه چنین فرمولی در چارچوب سلف این سازمان، یعنی «*گات*[۴۱]» نیز پیش‌بینی شده بود. فلسفهٔ رفتار ویژه و متفاوت آن است که عدم توازن اقتصادی و بازرگانی میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه تا حدودی جبران شود. با در نظر گرفتن حقوق و به‌ویژه تعهدات متفاوت برای کشورهای جهان سوم، نیازها و منافع آنها در نظام تجارت بین‌الملل مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند. پیش فرض این امتیازات آن است که توسعهٔ پایدار در کشورهای جهان سوم سیاست‌هایی متفاوت از کشورهای پیشرفته را می‌طلبد. هدف توانمندسازی کشورهای جهان سوم برای مشارکت در تجارت جهانی است. از ۱۵۵ عضو سازمان تجارت جهانی، دو سوم آنها جزء کشورهای در حال توسعه بوده و از آن میان، ۳۲ کشور در شمار توسعه-نایافته‌ترین‌کشورها[۴۲] محسوب می‌شوند، که مقررات ویژه بیشتری مشمول آنها می‌شود بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، مقررات مربوط به «رفتار ویژه و متفاوت» آن دسته از بندهایی را دربرمی‌گیرند که متضمن حمایت از این کشورها یا معافیت آنها از برخی الزامات قانونی‌اند، یا آنکه به این کشورها اجازهٔ انعطاف‌پذیری در اجرای قانون را می‌دهند. برای مثال، این کشورها برای مدت معینی از اجرای برخی ضوابط مانند کاهش موانع تجاری در حوزهٔ بخصوصی معاف می‌شوند. همچنین، سازمان تجارت جهانی موظف به اعطای کمک‌های تکنیکی

40 - Special and Differential Treatment.
41 - The General Agreement on Tariffs and Trade (GATT).
42 - Least Developed Countries (LDCs).

در زمینه‌های خاصی به کشورهای در حال توسعه است و نیز کشورهای پیشرفته موظف شده‌اند تا دسترسی کشورهای مزبور به بازارهای خود را تسهیل نمایند.[۱۰۸]

۳-۶ حقوق بین‌الملل توسعه و کمک‌های اقتصادی و رسمی توسعه

به موجب ماده ۳ اعلامیه حق توسعه، دولتها مسؤولیت اولیه ایجاد تسهیلات ملی و بین‌المللی مناسب در جهت اعمال حق توسعه را عهده‌دار هستند.[۱۹] دولتها حق دارند در صورت عدم توانایی به اتخاذ و اجرای سیاستهای مناسب در این خصوص از سایر دولتها و سازمانهای بین‌المللی درخواست مشارکت و مساعدت کنند. مواد ۳و۴ اعلامیه حق توسعه به فلسفه وجودی این نوع مشارکت بین‌المللی پرداخته است[۱۱۰] در این راستا جامعه بین‌المللی باید همهٔ تلاشها را در جهت تخفیف مشکلات خاصی از قبیل بدهی خارجی کشورهای درحال توسعه به کار برد، تا مکمل تلاشهای دولتهای این کشورها باشد. اقدامات بین‌المللی فوق، یک چرخش واقعی در زمینه توسعه اقتصادی محسوب می‌شود; زیرا تا سال ۱۹۶۴ کشورهای عقب مانده درخواست کمک از کشورهای پیشرفته را به عنوان «امتیازی» تصور می‌کردند که کشورهای کمک کننده به کشورهای عقب مانده می‌دهند. از آن به بعد، مدعی بودند که این حق آن‌هاست که کمک‌های بین-المللی را خواستار شوند. تغییر نگرش نسبت به کمک‌های اقتصادی و رسمی توسعه از امتیاز به حق را باید یک گام میمون به حال کشورهای درحال توسعه دانست. اکنون کشورهای درحال توسعه بر بُعد بین‌المللی حق توسعه تأکید داشته و جامعه بین‌المللی را موظف به تسهیل اجرایی شدن حق توسعه پایدار می‌دانند.[۱۱۱] اعلامیه ۱۹۹۳ وین تأکیدی دوباره دارد بر التزام رسمی کلیه دولتها برای ایفای این تعهدات مطابق منشور(بند۱) که مقرر می‌دارد: کشورها باید برای تأمین توسعه و رفع موانع توسعه با یکدیگر همکاری کنند، و جامعهٔ بین-المللی باید به منظور تحقق حق توسعه و حذف موانع توسعه همکاریهای مؤثر بین‌المللی را تقویت کند(بند۱۰) و این که پیشرفت به سوی اجرای حق توسعه مستلزم وجود سیاستهای مؤثر توسعه ملی، و نیز فضای اقتصادی مطلوب و عادلانه بین‌المللی است(بند۱۰) و این که جامعه بین‌المللی باید همهٔ تلاشها را در جهت تخفیف مشکلات خاصی از قبیل بدهی خارجی کشورهای درحال توسعه به کار برد، تا مکمل تلاشهای دولتهای این کشورها باشد.[۱۱۲]

یکی از ابزارهای همکاری اقتصادی بین‌المللی کمک رسمی[۴۳] برای توسعه یا کمکهای خارجی است. هدف کمک‌های رسمی توسعه-ای، مساعدت کشورهای در حال توسعه به منظور تسریع در رشد و توسعه اقتصادی، توزیع درآمد و کاهش فقر است[۱۱۳] کمک‌های رسمی توسعه جزء کوچکی از جریان مالی به کشورهای درحال توسعه است، اما تنها منبع مالی بین‌المللی است که به کاهش فقر اختصاص دارد. حجم کمک‌های رسمی توسعه بیش از یک دهه به طور مداوم افزایش داشته و به ۱۴۲.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید، که نسبت به سال ۲۰۱۵، افزایش ۸.۹ درصدی داشته است. با توجه به اطلاعات رسمی کمیته کمک‌های توسعه‌ای، کمک به پناهجویان به میزان ۷.۱٪ افزایش یافته است. است. البته، کمک‌های رسمی توسعه تنها ۷ درصد از جریان‌های مالی بین‌المللی به کشورهای درحال توسعه را در سال ۲۰۱۶ شامل می‌شود.[۱۱۴] کمک‌های رسمی توسعه، وجوهی رسمی است که به دو صورت دوجانبه و چند جانبه به کشورها پرداخت می-شود.[۱۱۵] کمک‌های دوجانبه مستقیما بین دو یا چند دولت مبادله می‌شود. کمک‌های. چند جانبه توسط موسسات بین‌المللی نظیر بانک جهانی یا بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم[۴۴] ؛ مؤسسه بین‌المللی توسعه[۴۵]، مؤسسه مالی بین‌المللی[۴۶]، صندوق بین‌المللی پول[۴۷]، «برنامه ملل متحد برای توسعه[۴۸]» و همچنین توسط ۲۳ عضو از اعضای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی[۴۹] که در عضویت کمیته کمک‌های توسعه[۵۰]هستند و نیز کمیسیون اروپا تهیه می‌شود. در این میان، ۵ عضو اصلی از اهداکنندگان، ۶۰ درصد از کمک‌های رسمی توسعه را بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ پرداخت کرده‌اند. ایالات متحده، آلمان، انگلستان، فرانسه، ژاپن، ۵ کشور بزرگ اهداکننده از نظر میزان و حجم کمک‌ها هستند و نزدیک به دو سوم از کل کمک‌های رسمی توسعه توسط این ۵ کشور اهداکننده تهیه می‌شود. گفتنی است که ۹۵ درصد کمک‌ها نیز تنها توسط ۱۵ کشور اهداکننده تهیه می‌شود. آژانس‌های چندجانبه از قبیل سازمان‌ها یا مؤسسات تحت نظارت سازمان ملل متحد، بانک جهانی، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، همچنین، صندوق‌های جهانی نیز حجم قابل توجهی از کمک‌ها را پرداخت می‌کنند.[۱۱۶] مؤسسات تحت پوشش اتحادیه اروپا (به‌ویژه از طریق کمیسیون اروپا[۵۱] و صندوق توسعه اروپا[۵۲]) و آژانس بین‌المللی توسعه[۵۳] نزدیک به ۶

---

43 - Official Development Assistance.
44 - International Bank for Reconstruction and Development (IBRD).
45 - International Development Association: IDA
46 - International Finance Corporation: IFC
47 - International Monetary Fund.
48 - PNUD
49 -Organization for Economic Co-operation and Development (OECD).
50 -Development Assistance Committee (DAC).
51 - European Commission (EC).
52 - European Development Found (EDF).
53 -International development Agency(IDA).

درصد از کل وجوهات پرداختی توسط سازمان‌های چندجانبه و ۱۶/۴درصد از کل کمک‌های رسمی توسعه را پرداخت می‌کنند. آژانس بین-المللی توسعه و کمیسیون اروپا، پس از ایالات متحده از اهداکنندگان اصلی کمک‌ها هستند. آژانس‌های دیگر چندجانبه که در عضویت کمیته کمک‌های توسعه بوده و بیشتر از میلیارد دلار در سال خرج می‌کنند، به قرار زیرند: صندوق جهانی،[۵۴] پرداخت‌های بانک توسعه آفریقا و آسیا، صندوق بین‌المللی پول و صندوق کودکان ملل متحد(یونیسف).

بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با هدف پاسخگویی به مشکلات اقتصادی کشورهای آسیب‌دیده از جنگ تشکیل شد و از نظر طراحان اولیه وظیفه آن کمک به بازسازی بود و نه توسعه. با بازسازی ویرانیهای ناشی از جنگ جهانی دوم و سامان یافتن اقتصاد کشورهای مذکور، هدف آن بانک به کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط تغییر یافت. ارائه وام و یا کمک‌های بلاعوض تسهیلات مالی و همچنین با ارائه خدمات مشاوره‌ای، کمک‌های فنی و یا برگزاری سمینارها و کنفرانسها دانش و تجربیات خود را به کشورهای عضو منتقل می‌نماید. بهره‌گیری از کمکهای فنی و مشاوره‌ای کارشناسان برجسته بانک، از مزایای مهم همکاری بانک می‌باشد که باعث می‌شود مجریان پروژه‌ها و کارشناسان داخلی به واسطه این همکاری‌ها، با آخرین تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی جهان آشنا شوند. سازمان بین‌المللی توسعه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۶۰، به‌عنوان شعبه بانک جهانی برای بهبود وضعیت بدهی کشوهای در حال توسعه تأسیس گردید سازمان، وام‌های اعطایی را فقط برای انجام پروژه‌های توسعه و با ضمانت دولت‌های فوق پرداخت می‌کند. اعطای اعتبار از طرف سازمان یادشده ظاهرا به‌هیچ وجه تحت تأثیر نقطه‌نظرات سیاسی نخواهد بود.[۱۱۷] مؤسسه مالی بین‌المللی در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۵۵ به‌عنوان شعبه بانک جهانی بین‌المللی تأسیس گردید..[۱۱۸] وظیفه اساسی این مؤسسه، بسط و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در بخش خصوص کشورهای در حال توسعه است.

شریک اصلی بانک جهانی در همکاری جهت توسعه، قطب دیگر سیستم برتون وودز، یعنی صندوق بین‌المللی پول است. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در همکاری چندجانبه جهت توسعه، سهم عمده‌ای ایفا می‌نمایند..[۱۱۹] مهم‌ترین ابزار قدرت صندوق بین‌المللی پول، وام‌هایی است که از محل وجوه عضویت اعضا به کشورهای متقاضی پرداخت می‌شود. پس از بحران ۲۰۰۸، تدابیر جدیدی در راستای اصلاح یا تقویت نظام وام دهی صندوق مورد توافق واقع شد که ازجمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد : اصلاح شرایط وام-دهی در راستای انطباق بیشتر شرایط مذکور با ویژگی‌های کشوری و متمرکز بر موضوعات فقر و رشد و حذف «شاخص عملکرد ساختاری» درخصوص کلیه وام‌های صندوق؛ ایجاد «خط اعتباری منعطف» به‌عنوان بیمه پیشگیری از بحران برای کشورهای دارای بنیان‌ها ، سیاست‌ها و سابقه اجرای سیاستها در سطح بسیار قوی ؛ ایجاد خط اعتباری پیشگیرانه (که بعدها به «خط اعتباری پیشگیرانه و نقدینگی» تغییر نام یافت) به منظور ارائه نقدینگی سریع و کافی کوتاه مدت؛ اگرچه در جریان بحران ، صندوق تمرکز اصلی خود را بر کمک به کشورهای اروپایی قرار داده بود، ولی اقداماتی را نیز در زمینه کمک به فقیرترین کشورهای دنیا به انجام رساند که ازجمله آنها می‌توان به افزایش «سپرده رشد و کاهش فقر» طی دوره سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۹ به ۱۷ میلیارد دلار و ایجاد سپرده رهایی از بدهی‌ها پس از بلایای طبیعی که رقم آن در سال ۲۰۱۰ به ۲۶۸ میلیون دلار می‌رسید، اشاره کرد.[۱۲۰]

پس از بحران ۲۰۰۸، منابع دائمی صندوق به دو برابر؛ یعنی ۴۷۸/۸ میلیارد حق برداشت مخصوص(حدود ۷۳۷ میلیارد دلار) رسید. همچنین در جریان اجلاس گروه ۲۰ در نوامبر ۲۰۱۰ در سئول مقرر شد که با افزایش حق رأی و سرمایه کشورهای رو به رشد آسیایی در صندوق، میزان کل منابع مالی این صندوق از ۷۵۰ میلیارد دلار، به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد که ۲۵۰ میلیارد دلار آن در قالب حق برداشت مخصوص بود.[۱۲۱] ترتیبات جدید استقراض نیز تا نوامبر ۲۰۱۱ به ۳۷۰ میلیارد حق برداشت مخصوص(حدود ۵۷۰ میلیارد دلار) رسید. تعهد حوزه یورو به ارائه منابع مازاد تا سقف ۱۵۰ میلیارد یورو، تعهد کشورهای عضو در قالب منابع مازاد (که تا سپتامبر ۲۰۱۴ به رقمی معادل ۴۶۱ میلیارد دلار می‌رسید) و ایجاد مدل درآمدی جدید برای صندوق خارج از سود وام‌های عقب افتاده وام گیرندگان صندوق نیز از دیگر اقدامات مهم صورت گرفته در این زمینه بوده‌اند.[۱۲۲]

نظام اقتصاد بین‌الملل که بر مبنای موافقات «برتون وودز» در سال ۱۹۴۴ تنظیم شد و در این چارچوب نهادهای جدید بانک جهانی -با هدف رفع گرفتاری‌های مالی بلندمدت کشورهای عضو- و صندوق بین‌المللی پول -با هدف رفع مشکلات پولی کوتاه‌مدت کشورهای عضو- و گات برای ساماندهی اقتصاد جهانی پا به عرصهٔ حیات نهادند.[۱۲۳] البته شایان ذکر هست که همچنان که ترزاهاپتر می‌گوید کمک‌های توسعه‌ای هرگز یک انتقال بی‌قید و شرط منابع مالی نبوده و معمولا شرایط ارائه کمک‌های اقتصادی مستقیما و به وضوح حافظ منافع دولت‌ها و موسساتی است که کمک اقتصادی را ارائه می‌نمایند. غالب اخبار انتشار یافته از فعالیت‌های این دو نهاد مالی، ناظر بر ارایه کمک‌های مالی به کشورهای مواجه با بحران مشروط به انجام برنامه اصلاحات اقتصادی نظیر «خصوصی‌سازی»، «تثبیت یا تعدیل»، «توسعه برون‌زا» و «کاهش ارزش پول ملی» است.[۵۵] کشورهای در حال توسعه(و کشورهای در حال گذار) به علت وابستگی به وام‌های نهادهای برتون وودز(بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی) و به ویژه کشورهایی که خواستار دریافت وام از

[54] - Global Fund.
[55]- Behzadkhanjarkhani.blogfa.com/post-6.aspx.

این نهادها هستند بایستی «برنامه‌های تعدیل ساختاری[۵۶]» مورد نظر آن‌ها را اجرا نمایند.[۱۲۴] که به نظر عده‌ای بیانگر نوعی دست‌اندازی در قلمرو حاکمیت دولت‌هاست.[۱۲۵] کشورهای جهان سوم سیاست صندوق بین‌المللی پول را نوعی مداخله در امور کشورها محسوب می‌کنند. در سال ۱۹۷۷ اندونزی، تایلند و کره برای دریافت کمک از صندوق بین‌المللی پول مجبور به اجرای سیاست‌هایی شدند که این صندوق ارائه نمود.[۱۲۶] اما صندوق چنین اتهامی را رد می‌کند و با تأکید بر اختیاری بودن عضویت در این نهاد، این نکته را مورد توجه قرار می‌دهد که مزایای حاصل از عضویت باعث همکاری کشورها با صندوق است. اما واقعیت این است که کشورهایی که دارای مشکلات مالی هستند، گزینه چندانی جز همکاری با صندوق بین‌المللی پول و پذیرش شرایط وام‌هایش را ندارند.[۱۲۷] «دیویسون بودهو[۵۷]»، از اقتصاددانان ارشد صندوق که در سرتاسر دهه‌ی ۱۹۸۰ طراح برنامه‌های تعدیلات اقتصادی برای آمریکای لاتین و آفریقا بود، بعدها اذعان کرد که «از سال ۱۹۸۳ به بعد، هر آن چه کردیم مبتنی بر درک جدیدمان از این مأموریت بود که یا "جنوب" باید خصوصی‌سازی شود، یا بمیرد».

بانک جهانی، تحت سلطه ایالات متحده آمریکاست و از دیرباز، به مثابه بازوی سیاست خارجی ایالات متحده عمل کرده است. بدنام‌ترین مورد به کارگرفتن بانک جهانی در خدمت ایالات متحده، پایان دادن به وام‌های بانک به حکومت منتخب سالوادور آلنده رئیس جمهور شیلی بود، که اولین گام در ایجاد بی‌ثباتی طرح‌ریزی شده توسط ایالات متحده آمریکا در شیلی محسوب می‌گردد. ریچارد نیکسون رئیس جمهور وقت ایالات متحده و وزیر خارجه وی هنری کیسینجر، بانک را طوری در خدمت اهداف خود به‌کار گرفتند که به قول نیکسون «جیغ و شیون اقتصاد شیلی» را درآورد. بحران اقتصادی، متعاقب آن راه را برای کودتای خونین سال ۱۹۷۳ (طراحی شده توسط سازمان جاسوسی آمریکا و ابرشرکت ITT) در شیلی هموار کرد. به‌دنبال آن، ایالات متحده سیل آمریکایی کمک‌های خود را به سوی دیکتاتور نظامی (پینوشه) سرازیر کرد. از اکتبر ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶، بانک جهانی به دیکتاتوری نظامی کودتایی شیلی ۳۵۱ میلیون دلار وام داد(یعنی حدوداً ۱۳ برابر وام پرداختی به شیلی طی ۳ سال زمامداری آلنده)[۱۲۸]

[56] - Structual Adjustment .

[57] - Davison Budhoo.

نتیجه‌گیری

تحولات گوناگون و فراوانی که در عرصه روابط بین دولت‌ها در حال شکل‌گیری است و در هر مرحله آثار عمیقی بر روابط بین‌المللی و در نتیجه تغییر حقوق بین‌الملل دارد نیاز به بررسی حقوق و تکالیف دولت‌ها را همراه با تحولات روابط بین‌المللی می‌طلبد. پذیرش منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵، از تغییر بسیار مهمی حکایت داشت: تدوین کنندگان منشور در ماده ۲، مجموعه‌ای از اصول بنیادی را درج نمودند که همه اعضای ملل متحد موظف به رعایت آن‌ها شدند. با وجود تأثیرات قابل ملاحظه اصول منشور بر تکامل جامعه بین‌المللی به تدریج در دهه‌ی ۱۹۶۰ آشکار شد که معیارهای بنیادین مزبور بسیار سست‌اند و مطالبات دولت‌های جدید را تأمین نمی‌کنند.به ویژه آن که، تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضای جدیدی به جامعه جهانی ملحق گردیدند که اساساً نگرش سیاسی آن‌ها با دولت‌های قدیمی متفاوت بود. به واقع تغییرات و تحولات ژرف در جامعه بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم در نتیجه استعمارزدایی، موجب گردید تا اندیشه رفع موانع توسعه اقتصادی از طریق همکاری‌های متقابل اقتصادی و مذاکرات بین‌المللی ضرورت و اهمیت بیشتری یابد. این ضرورت در قالب حق توسعه اولین بار از سوی وزیر امور خارجه سنگال در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام گردید. بنابراین، دولت‌های در حال توسعه فرآیند تجدید نظری را آغاز کردند که با این تلقی عطف به معیارهای ارزشی جهانی، متضمن گسترش و به روز کردن اصول منشور ملل متحد بود. جنبش عدم تعهدها، گروه ۷۷ که کشورهای در حال توسعه امروز بیش از ۱۳۰ کشور است که کشورهای عضو آنکتاد هستند همگی در مجمع عمومی سازمان ملل و در نشست‌های بین‌المللی کوشیدند که برای رفع فاصله توسعه یافتگی کشورها، ساز و کارهای لازم را تعبیه نمایند. به طوری که اکنون در شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل نظیر حقوق دیپلماتیک، حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق بین‌الملل هسته-ای، حقوق دریاها و حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل توسعه می‌توان شاهد راهکارهای ارفاقی به نفع دولت‌های در حال توسعه و تثبیت اصل رفتار ترجیحی در مورد کشورهای درحال‌توسعه و عقب‌مانده بود.

منابع و ماخذ

[1] Charter of the United Nations,. June 26, 1945, Article 2: The Organization is based on the principle of the sovereign equality of all its Members.

[۲]جوینر، کرسیتوفرسی(۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، ترجمه عباس کدخدایی، تهران، نشر میزان، ص ۶۰.

[۳]سلامتی، یعقوب(۱۳۸۷)، مبانی حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تبریز، نشر یاس نبی، ص ۳۲.

[۴]زایدل هوهن فلدرن، آیگناتس(۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل اقتصادی، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران، نشر شهردانش، ص۴۶.

[۵]خواجی، غلامرضا(۱۳۹۳)؛ «اصل نابرابری جبران‌ساز، چالش حقوق بین‌الملل اقتصادی»، اولین همایش بازاریابی: چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم پایه، ص ۵.

[۶]مدنی، جلال‌الدین(۱۳۷۳)؛ حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، پایدار، چ ۲.

[۷]ضیائی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۸۳)؛ حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستم، ص ۷.

[۸]عمادزاده، محمدکاظم(۱۳۷۰)؛ حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات اتا، چاپ دوم، ص ۱۷.

[۹]شریفی‌طراز کوهی، حسین(۱۳۹۰)، حقوق بشر(ارزش‌ها و واقعیت‌ها)، تهران، میزان، چاپ اول.

[۱۰]وکیل، امیرساعد(۱۳۹۰)؛ حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، تهران، مجد، چاپ اول، ص ۱۵.

[۱۱]موثقی، حسن(۱۳۸۹)؛ حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و قانون، تبریز، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول، ص۴۱.

[۱۲]ضیائی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۸۳)؛ حقوق بین الملل عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ بیستم، ص ۷.

[۱۳]موثقی، حسن(۱۳۸۹)؛ حقوق بین‌الملل میان حاکمیت اراده و قانون، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، چاپ اول، ص۴۴.

[۱۴]عالیخانی، محمد(۱۳۷۸)؛ حقوق بین‌الملل، تهران، خط سوم، چاپ اول، ص ۶۰.

[۱۵]مقتدر، هوشنگ(۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوازدهم، ص ۴۳.

[۱۶]برانلی، ایان(۱۳۸۳)؛ حقوق بین‌الملل در واپسین سالهای قرن بیستم، ترجمه صالح رضایی، تهران، وزارت امورخارجه، چاپ اول، ص ۴۶.

[۱۷]عالیخانی، محمد(۱۳۷۸)؛ حقوق بین‌الملل، تهران، خط سوم، چاپ اول، ص ۱۰۸.

[۱۸] حاتمی، مهدی(۱۳۹۴)؛ «وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران در پرتو انسانی شدن حقوق بین‌الملل»، حقوق خصوصی، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱: ۱۵۱-۱۷۰.

[۱۹] رئیسی دزکی، لیلا و محمد کفاش نیری(۱۳۹۳)؛ «تأثیر جهانی شدن حقوق بشر بر اصل عدم مداخله : با تأکید بر بحران سوریه»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۲۱: ۶۱-۳۱.

[۲۰]زرنشان، شهرام(۱۳۹۲)، «شکل‌گیری قاعده عرفی در حقوق بین‌الملل؛ ارزیابی امکان نقش آفرینی بازیگران غیردولتی»، مجلهٔ حقوقی بین‌المللی، نشریهٔ مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال ۲۹، شمارهٔ ۴۷: ۸۸-۷۲.

[۲۱]پین، اوژن(۱۳۸۷)، «بشریت و حقوق بین‌الملل»، ترجمهٔ ابراهیم بیگ‌زاده، مجلهٔ حقوقی، ش ۱۶و۱۷: ۳۰۷.

[۲۲] کرسیتوفرسی، جوینر(۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، ترجمه عباس کدخدایی، تهران، نشر میزان، ص ۵.

[۲۳]مدنی، جلال‌الدین(۱۳۷۳)؛ حقوق بین‌الملل عمومی و اصول روابط دول، تهران، پایدار، چ دوم، ص ۱۹.

[۲۴]قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، ص ۱۲۴.

[۲۵] طباطبائی مؤتمنی، منوچهر(۱۳۸۸)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص۲۱.

[۲۶] وینست، اندرو(۱۳۸۲)، نظریه‌های دولت، مترجم حسین بشیریه، نشرنی، چاپ هفتم، ص ۳۶۱.

[۲۷] کینگ، ساموئل (۱۳۵۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ص ۳۰.

[۲۸] ارسطو(۱۳۶۴)، سیاست، ترجمهٔ حمید عنایت، تهران: جیبی، چاپ چهارم.، ص ۱۰.

[29] Tilly,C.(1990), Coercion, Capital, and European States, AD 990–1990. Oxford: Blackwell. P. 2.

[۳۰]قادری، روح‌الله(۱۳۸۷)؛«تحول در نقش بازیگران دولتی و غیردولتی از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره مسلسل ۳۹، ش ۱: ۱۷۲. اسمیت، اسیتو و جان بلیس(۱۳۸۳)، جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل درعصر نوین، ترجمهٔ ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۶۳-۶۲.

[۳۱] محمدی، منوچهر(۱۳۸۷)؛ «برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه: پارادایم جدید در روابط بین‌الملل»، نشریه حکومت اسلامی، سال سیزدهم، ش ۲: ۴۱.

[۳۲]سلیمی‌ترکمانی، حجت(۱۳۹۱)، «جرم‌انگاری کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر محور در حال ظهور»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال اول، ش ۱: ۶۵.

[۳۳] ضیایی، سیدیاسر(۱۳۹۰)؛ «مبانی نظری صلاحیت فراسرزمینی دولت از منظر حقوق بین‌الملل عمومی»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۶: ۲۳.

[۳۴] رستمی، مسعود(۱۳۸۴)؛ «جایگاه حقوق بشر در پلورالیسم ارزشی آیزایا برلین»، دانشنامه حقوق و سیاست، سال اول، شماره ۲: ۱۰۴-۷۹.

[۳۵]جوینر، کریستوفرسی(۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، ترجمه عباس کدخدایی و امیرساعد وکیل، تهران نشر میزان، چاپ اول، ص۴۲

[۳۶] آقایی، بهمن(۱۳۸۲)، فرهنگ حقوقی بهمن، تهران، گنج دانش، چ دوم، ص ۳۰۸. نوروزی خیابانی، مهدی(۱۳۷۶)، فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نی، چ پنجم، ص ۸۰. جعفری لنگرودی، محمّدجعفر(۱۳۶۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۱۹۶۸.

[۳۷] صدر، جواد(۱۳۷۶)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم، ص ۴.

[۳۸] آقابخشی، علی(۱۳۶۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، بهرنگ، ص ۸۶.

[۳۹] صدر، جواد(۱۳۷۶)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران، چ دوم، ص ۴.

[40] Fray, Linda S. & Marsha L. Frey (1999), The History of Diplomatic immunity, The Ohio State University Press, p. 12/ Barker, JC(2006), The Protection of Diplomatic Personnel, (Ashgate Publishing Limited, England), p.29. Garley, R. Scott(1980), Fordham International Law Journal,Volume 4, Issue 1, Article 6, Compensation for "Victims" of Diplomatic Immunity in the United States: A Claims Fund Proposal, Vol. 4:135, p.138.

[۴۱] بیژنی، مریم(۱۳۸۴)؛ «دیپلماسی در گذر زمان»، شماره ۲۲۱ و ۲۲: ۱۱۸- ۱۲۹.

[42] Harold Nicolson(1963),Diplomacy, London New York Toronto: Oxford University Press, p. 17. John Shaw(2002), "Privilege of Diplomatic Immunity Facing Challenges From All". The Washington Diplomat, Inc.Webpage: http://www.washdiplomat.com/02-03/a5_02_03.html.

[43] Barston, R P.(2006), Modern diplomacy. Third edition Pearson Longman, London, p.1.

[۴۴] ذوالعین، پرویز(۱۳۸۴)، حقوق دیپلماتیک، تهران، وزارت امور خارجه، چ دوم، ص ۷۳.

[45] Lozancic, Monika(2009), Diplomatic and Consular Immunities from National Jurisdiction in Criminal Cases, Master thesis, Faculty of Law, University of Lund, p. 25./ See: Regulation Concerning the Relative Ranks of Diplomatic Agents, Congress of Vienna, 19 March 1815, Martens, Nouveau Receuil de Traités, 1818, vol. II, pp. 449-50./ See: Barker. J. C(1996), "The Abuse of Diplomatic Privileges and Immunities: A Necessary Evil?" Dartmouth Publishing Group, March.

[46] Convention Regarding Diplomatic Officers, Havana, 20 February 1928, League of Nations, Treaty Series, vol. CLV, p.261.

[47] McClanahan, Grant V.(1989), Diplomatic Immunity-Principles, Practices, Problems, St. Martin's Press, New York, p. 44

[۴۸]خالوزاده، سعید(۱۳۹۰)، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: سمت: صص۱۰-۱.

[۴۹] فرانتس؛ آلتهایم(۱۳۶۹)، کمکهای اقتصادی در دوران باستان، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، صص ۹-۶.

[۵۰] آلبر کلییار، کلود(۱۳۷۱)؛ سازمانهای بین‌المللی از آغاز تا امروز همبستگی بین‌المللی، جلد دوم، ترجمه هدایت الله فلسفی، تهران: نشر فاخته، ص ۴۷.

[۵۱] آشنا، حسام‌الدین و نادر جعفری هفتخوانی(۱۳۸۶)؛ دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف، دو فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵: ۱۷۹- ۲۰۶.

[52] A/RES/1043(XI). «International Cultural and Scientific Cooperation». A/RES/1027(XI).«Development of Iinternational Economic Cooperation and the Expansion of International Trade». A/RES/66/227 «International Cooperation on Humanitarian Assistance in the Field of Natural Disasters, from Relief to Development». A/RES/66/2. «Promotion of Interreligious and Intercultural Dialogue, Understanding and Cooperation for Peace». A/RES/66/157.«Strengthening United Nations Action in the Field of Human Rights through the Promotion of International Cooperation and…»

[53] Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986: para. 242.

[۵۴] داوند، محمد و سیدمسعود موسوی شفائی(۱۳۹۴)؛ تأثیر دیپلماسی اقتصادی پسامدرن بر تحقق اهداف اقتصاد داخلی ایالات متحدهٔ آمریکا(۲۰۰۹ - ۲۰۱۲ م)، فصلنامهٔ مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲۴: ۱۱۳-۹۳.
[۵۵] ابوطالبی، مرتضی(۱۳۸۸)؛ «اثرات متقابل دیپلماسی حمایت و سیاست بین‌الملل در آفریقا»، مطالعات آفریقا، شماره ۱۹: ۱۹۳- ۲۲۶.

[56] Wikipedia contributors, "Landlocked country," Wikipedia, The Free Encyclopedia, http://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Landlocked_country&oldid=200187547.

[۵۷]دائمی، مهدی(۱۳۹۲)؛ حقوق کشورهای محاط در خشکی با توجه به کنوانسیون ۱۹۸۲ جامائیکا، پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد راهنما: حسین یکتا | استاد مشاور: منصور پورنوری.
[58] Kumar Rana, Ramesh(2010), Right of access of land-locked state to the sea by the example of bilateral agreement between land-locked state- Nepal and port state – India, Small Master's Thesis Masters of Laws in Law of the Sea University of Troms0 Faculty of Law Fall 2010 P11.
[59] Part X, Article 124 of the United Nations Convention on Law of the Sea.
[60]A/RES/56/12.A/RES/60/30.A/RES/57/141.A/RES/58/240.A/RES/59/24.A/RES/53/32.A/RES/54/3.
[61] The Versailles Treaty June 28, 1919: Part X, Article 273.
[62] Official Records of the United Nations Conference on the Law of the Sea, Geneva, 24 February-27 April 1958, (A/CONF.13/L.58), vol. 2, p. 146.
[63] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 131.
[64] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 148.
[65] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 161.
[66] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 161(1).
[67] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 151.
[68] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 140,160.
[69] UN. DOC, A/Conf.62/48/122 Convention on the Law of the Seas, 7 Oct, 1982, Article 82.
[۷۰]حسینی، سیدابراهیم(۱۳۸۴)؛ حق توسعه کشورهای در حال توسعه، مجله: معرفت، شماره ۹۳: ۹- ۲۶
[۷۱]حربه‌زاده محمود(۱۳۹۲)؛ مبانی فقهی ساخت و استفاده از سلاح هسته‌ای پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز - دانشکده الهیات و معارف اسلامی، استاد راهنما: عبدالحسین رضایی‌راد | استاد مشاور: حسین آل‌طاها: ص ۱.
[۷۲]حسنوند، محسن(۱۳۹۳)؛ بررسی حق بر انتقال دانش و فناوری از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر فناوری هسته‌ای، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی، استاد راهنما: محمدعلی صلحچی | استاد مشاور: حسن سواری، ص ۱.
[۷۳]پلینو، جک سی و آلتون، روی(۱۳۷۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمهٔ و تحقیق حسن پستا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
[74] N.P.T.1968, Art 9(3).
[75] N.P.T. 1968, Art 4(1).
[76] N.P.T. 1968, Art 4(2).
[۷۷]حسینی، محمدرضا و ابراهیم حسن بیگی(۱۳۹۳)؛ تحکیم و تثبیت «حق غنی‌سازی» جمهوری اسلامی ایران در پرتو حقوق بین‌الملل هسته‌ای، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۰: ۷۵- ۱۰۲.
[۷۸]ساعد، نادر(۱۳۸۳)، «توسعه دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در اسناد و آموزه‌های حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال دوازدهم، ش ۴۶: ۷۲-۴۵.
[۷۹]غریب‌آبادی، کاظم(۱۳۸۳)، آشنایی با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پروتکل الحاقی، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
[۸۰]ساعد، نادر(۱۳۸۴)؛ حقوق بین‌الملل و نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، تهران، شهر دانش، چ ۱: صص ۱۱۷-۱۴۴.
[81] IAEA, Board of Governors, gov/inf/824, ‘Technical Cooperation Strategy, 1997.
[۸۲]حجت‌زاده، علیرضا و حسین سرتیپی(۱۳۹۱)، «شیوه‌های حقوقی بین‌المللی همکاری در انتقال فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۵: ۳۴۳-۳۱۹.
[83] IAEA, Board of Governors, gov/inf/824, ‘Technical Cooperation Strategy, 1997.
[84] The Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment (the 1972 Stockholm [78] Declaration) (UN Doc. A/CONF/48/14/REV.1 (1972). principle 9.
[85] The Rio Declaration on Environment and Development, 1992, (UN Doc. A/CONF.151/26 (vol. I)) principle 6.
[86] Agenda 21, the Rio Declaration on Environment and Development, and the Statement of principles for the Sustainable Management of Forests were adopted by more than 178 Governments at the United Nations Conference on Environment and Development (UNCED) held in Rio de Janeiro, Brazil, 3 to 14 June 1992.

[87] REPORT OF THE United Nations Conference on Environment & Development. (Rio de Janeiro, 3-14 June 1992) A/CONF.151/26 (Vol. III) principle 10.
[88] The World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, South Africa|26 August-4 September 2002.
[89] Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage Paris, 16 November 1972. Article: 15,19.
[90] The Convention on Biological Diversity(CBD), in Rio de Janeiro, in 1992. Article: 16(1),(2).
[91] Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rightsincluding trade in counterfeit goods (TRIPS Agreement) part of the GATT Uruguay Round signed in April 1994, Article: 7.
[92] Rome Convention for the Protection of Performers, Producers of Phonograms and Broadcasting Organizations ... for the years 1962 to 1964, in Copyright for the years 1965 to 1994, in Industrial Property and Copyright until May 1998 and, in Intellectual Property Laws and Treaties from June 1998 until December 2001).
[93] The Convention on Biological Diversity(CBD), in Rio de Janeiro, in 1992. Article: 1720(4),(5),(6).
[94] The Cartagena Protocol on Biosafety to the Convention on Biological Diversity was adopted by the Conference of the Parties to the Convention on 29 January 2000, Article: 20(1).
[95] Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture (ITPGRFA) (FAO, 2009) was adopted on November 3, 2001, Article: 8.
[96] The Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer was adopted in 1985 and entered into force on 22 Sep 1988. In 2009, Article: 4.
[97] The Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer (a protocol to the Vienna Convention for the Protection of the Ozone Layer). It was agreed on September 16, 1987, and entered into force on January 1, 1989. Article: 5(2),(3),(4),(5).
[98] The United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC) is an international environmental treaty adopted on 9 May 1992, Article: 4(4),(5),(6),(7),(8).
[99] Convention on Combat Desertification in those Countries Experiencing Serious Drought or Desertification, Particularly in Africa 1994.
[100] Rotterdam Convention on the Prior Informed Consent Procedure for Certain Hazardous Chemicals and Pesticides in International Trade. Rotterdam, 10 September 1998, Article: 16.
[101] Stockholm Convention on Persistent Organic Pollutants (POPs). Article: 12(1),12(4), 13(2).
[102] Basel convention on the control of transboundary movements of hazardous wastes and their disposal 1989, Article: 10(4), 14(1).
[۱۰۳]باقری، محمود؛ رضائی، محمدتقی(۱۳۹۰)؛ «ارزیابی استراتژی رفتار ویژه و متفاوت در قبال کشورهای با کمترین سطح توسعه یافتگی و در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، سال ۴۱، شماره ۱: ۹۹-۱۱۴.
[۱۰۴]فرهنگی‌فر، سعید(۱۳۹۲)؛ رفتار ترجیحی در قبال کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت، پایان‌نامه‌کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی-دانشکده علوم سیاسی،کارشناسی ارشد، استاد راهنما: اسفندیار امید بخش | استاد مشاور: غلام نبی فیضی چکاب.
[۱۰۵]علیخانی، مظفر(۱۳۷۶)؛ «تعرفه‌های ترجیحی در نظام جهانی ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه»، نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۴۸: ۲۷-۱۷.
[۱۰۶]فابریکوتی، آلبرتا(۱۳۸۸)؛ «رابطه متقابل سازمان جهانی تجارت wto و موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای RTAS»، ترجمه: فرزاد مهاجرانی، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۴۱: ۲۹۳-۳۲۰.
[۱۰۷]دامن‌پاک‌جامی، مرتضی(۱۳۸۴)؛ «تجارت درون منطقه‌ای دروازه ورود به تجارت جهانی، روند اقتصادی»، شماره ۱۸:- ۵۴- ۵۹.
[۱۰۸]تقوی، سیدمحمدعلی و حبیب‌الله پارسایی(۱۳۹۱)؛ «بررسی و نقد «رفتار ویژه و متفاوت» با کشورهای در حال توسعه در مقررات سازمان تجارت جهانی»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۵۹: ۳۲۱-۳۶۱.

[109] Declaration on the Right to Development, 1986, G.A.Res. 41/128 Art 3.
[۱۰]رهالوسین، زهادی(۱۳۸۳)، «حق توسعه در تئوری و در عمل» دانشنامه حقوق و سیاست، مجله: تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۱: ۱۴۱-۱۸۰.
[۱۱۱]سنگوپتا، آرجون(۱۳۸۳)؛ «حق توسعه در نظریه و عمل»، مترجم: دکتر منوچهر توسلی جهرمی، مجلهٔ حقوقی، نشریهٔ دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شمارهٔ ۳۰: ۲۵۰-۱۷۹.
[۱۱۲]حبیب‌زاده، توکل و حافظه سیفی(۱۳۹۲)؛ «تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی»، فصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۶۲: ۱۱- ۳۸.
[۱۱۳]بختیاری، صادق؛ طیبی، سیدکمیل؛ ایزدخواستی، حجت(۱۳۹۱)؛ «اثرات کمک‌های رسمی توسعه‌ای بر رفتار مالی دولت در کشورهای منتخب در حال توسعه آسیایی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴۳: ۲۳- ۳۸.

[114] OECD Development Assistance Committee (2017), Development aid rises again in 2016 but flows to poorest countries dipwww.oecd.org › Development Co-operation DirectorateApr 11, 2017.
[۱۱۵]امامی، کریم و نجمه آزادوار(۱۳۹۳)؛ «بررسی اثر کمک‌های خارجی بر رشد درآمد سرانه در کشورهای منتخب در حال توسعه»، فصلنامهٔ سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا(س)، سال دوم، شماره ۲: ۵.
[۱۱۶]الهی، همایون(۱۳۷۳)؛ کمکهای خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲: ۱۴۹- ۱۶۴.
[۱۱۷]فیل‌سرائی، مهدی(۱۳۹۵)؛ آشنایی با ساختار وعلکرد بانک جهانی، رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، شماره ۵: ۱۳۵-۱۱۶.
[۱۱۸]وبر، آلبرشت(۱۳۶۶)؛ تاریخچه سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، طهماسب محتشم دولتشاهی، تهران، خوشه، چ ۱، صص ۸۶-۸۷
[۱۱۹]کیت، کلی اس. پیس(۱۳۸۴)؛ سازمان‌های بین‌المللی، حسین شریفی طرازکوهی، تهران، میزان، چ ۱، صص ۳۲۴-۳۲۰.
[۱۲۰]بوستانی، رضا ؛ جبل عاملی، پویا(۱۳۹۴)؛ تکامل نقش صندوق بین‌المللی پول در اقتصاد جهانی، مجله: روند، شماره ۶۹: ۹۷ -۱۱۶.
[۱۲۱]موناهان، یان(۱۳۹۰)؛ آینده صندوق بین‌المللی پول، ترجمه سیدحسین علوی لنگرودی، ماهنامه بانک و اقتصا،د شماره ۱۱۳: ۶۲-۶۰.
[۱۲۲]شهابی، سهراب؛ شاه‌بیگ، حسن(۱۳۹۳)؛ نقش و جایگاه کشورهای درحال‌توسعه در صندوق بین‌المللی پول پس از بحران جهانی ۲۰۰۸، مجله: سازمانهای بین‌المللی، شماره ۵: ۵۶-۹۹.
[۱۲۳] دینی‌ترکمانی، علی(۱۳۹۱)، «چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده پژوهی»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، ش ۶۱: ۱۹۴.
[۱۲۴] خور، مارتین(۱۳۸۳)، جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی، نشر قومس، ص ۱۲.
[۱۲۵] روشندل(۱۳۸۷)، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت، چ ۵، ص ۱۹۵.
[۱۲۶] رحمت‌الهی، حسین(۱۳۸۸)، تحول قدرت، تهران، نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۸، ص ۲۷۱.
[۱۲۷] صادقی‌سرهنگی، محسن(۱۳۷۹)، بررسی ابعاد حقوقی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با تکیه بر روابط آن با ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مقطع و رشته تحصیلی: حقوق بین‌المللی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۲.
[۱۲۸] استیگلیتز، جوزف، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، ص ۳۷۳.